

پیام سنديگا

پیام سنديگا

پیام آور سنديگاهاي كارگري ايران

حاصل اتحاد تاريخي كارگران سنديگايي در راستاي تشكول و آكاهي براي كارگران

شماره ۵۷ / سال ششم / ارديبهشت ۹۶ / نشريه سنديگاي كارگري ايران



روز جهاني كارگر و معلم بر همه زحمتكشان شادباش باد!



سنديگاي كارگران  
نقاش و تزئينات  
تاسيس: ۱۳۴۸



اتحاديه  
نيروي كار  
پروژه‌هاي



# پیام سندیکا

ماهانامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

سروده هایی برای اول ماه مه ص ۱۶

گزارشات کارگری از سراسر کشور ص ۲۵

جنبش کارگری: گفتگو، نامه نگاری و... ص ۵۱

منطق مبارزه طبقاتی، کسی را گریزی نیست! ص ۵۳

شورای شهر و وظیفه کارگران سندیکایی ص ۵۵

انتخابات شورای شهر ص ۵۸

کاظم عاشقی نین خاطره لری ص ۵۹

جشن اول ماه مه ۱۳۲۵ به روایت آبراهامیان ص ۶۰

کوشندگان تا به آخر استوار ص ۶۹

روز جهانی کارگر و زنان ص ۹۴

## بیانیه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در رابطه با فاجعه معدن یورت آزاد شهر، استان گلستان

بازهم حادثه ای دلخراش، بازهم آدرس غلط دادن مسوولین بی مسوولیت!

فاجعه ای که تعداد زیادی از زحمتکش ترین و بی پناه ترین انسانها را در ایران به کام مرگ و نابودی کشاند.

قطعاً این اولین و آخرین حادثه ی دلخراش از این دست نیست. زیرا صاحبان سرمایه به چیزی غیر از سود بیشتر برای خود و حق و حقوق کمتر برای کارگران نمی اندیشند. کارگران تا زمانی که درسندیکاها و تشکل های مستقل متشکل نشوند نمی توانند صاحبان معدن، کارخانه، کارگاه و مراکز تولیدی و..... را وادار به رعایت مقررات ایمنی و حقوق مادی و معنوی خود نمایند و این چیزی است که صاحبان سرمایه و دولت حامی آنها با آن مخالف هستند. این کارگران هستند که باید تلاش بنمایند سندیکاها و تشکل های مستقل خود را ایجاد نموده تا دیگر اترس اخراج و بیکاری شاهد حقوق های معوقه، قرار دادهای موقت و سفید امضا، عدم امنیت شغلی و حوادث این چنینی بر اثر عدم رعایت مقررات ایمنی، نباشند.

ابرازتأسف و وعدهای بی پشتوانه دردی از مشکلات کارگران را درمان نمی کند. آنچه که تاکنون اتفاق افتاده است، مانند حادثه پلاسکو.

چرا باید ده ها نفر قربانی سودجویی یک نفر شوند؟ این فقط کارگران نیستند که جان خود را به خاطر هیچ فدا می کنند، خانواده های آنان نیز آینده ای تیره و تار در انتظار شان می باشد. مسوولین باید پاسخ دهند که چرا این کارگران حقوق معوقه از سال ۹۳ و ۹۴ دارند؟ آیا دلیل این نیست که مرجعی وجود ندارد که کارگران بدون ترس از شلاق و بازداشت و اخراج به آنجا مراجعه نمایند؟ اگر اینگونه محل های کار نکات ایمنی را رعایت نمی کنند چه کسی باید پاسخگو باشد؟ چه کسی باید در فکر برق اضطراری باشد تا در این گونه مواقع کارگران مجبور به استفاده از باتری جایگزین نباشند؟ آیا مسببین حادثه

پلاسکوبه مجازات رسیدند تا ترسی دردل مسوولین ایمنی مراکز تولیدی و خدماتی ایجاد شود برای جلوگیری از حوادث دیگر؟

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن تسلیت به خانواده های کارگران قربانی سرمایه و ابراز همدردی با آنان از مسوولین می خواهد هرچه سریعتر نسبت به شناسایی و مجازات کسانی که درامر رعایت اصول ایمنی این معدن قصور داشته اند، اقدام و در جهت کاهش درد و رنج جان باختگان و مصدومین این حادثه به پیام و وعده اکتفا نکرده و به یاری آنان بشتابند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از مجریان قانون میخواهد تا حق قانونی کارگران را برای اقدام به اعتصاب، اعتراض، ایجاد سندیکاها و تشکلات مستقل کارگری رعایت نمایند تا کارگران بدون ترس از اخراج و مجازات بتوانند به موقع فریاد دادخواهی خود را به گوش دیگران از جمله مسوولین برسانند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از تمام سندیکاها، تشکل های مستقل، انسانهای آگاه و شرافتمند که بامعادن، کارخانجات و مراکز تولیدی سر و کار دارند می خواهد به چگونگی رعایت ایمنی آنها توجه جدی نموده و در این خصوص به موقع اطلاع رسانی کنند.

## سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶

## گرامی باد روز کارگر و معلم!

### خواهران و برادران زحمتکش!

روز کارگر بر شما و خانواده اتان خجسته و شادباش. این ۱۲۸ مین اول ماه مه است که در جهان جشن گرفته می شود. روزکارگر نماد مبارزه بی امان زحمتکشان بر علیه بی عدالتی در جهان است. روزی است که زحمتکشان برای بررسی تلاش خود و برنامه ای برای آینده گردهم آمده و برای سال پیش رو مهمترین خواسته هایشان را اعلام می کنند. زحمتکشان ایران در هر شرایطی این روز را جشن گرفته و نام پیشکسوتان کارگری را همچون سید محمد دهگان، علی امید، هدایت اله معلم، حسین سمنانی، سجادی، طبرسی،... را با افتخار یاد می کند و دستاوردهای آنان را از جمله ۸ ساعت کار، قانون کار، بیمه، بازنشستگی... را چون مردمک چشم پاسداری خواهد نمود .

زحمتکشان ایران در حالی به پیشواز روز جهانی کارگر و روز معلم می رود که از سال گذشته وضعیت معیشتی اش بدتر شده است. هنوز تلاش های صنفی، امنیتی تلقی شده و کوشندگان صنفی بازداشت و زندانی می شوند. محدودیت از سوی پلیس امنیت بر کوشندگان کارگری تحمیل شده و برگزاری روزکارگر از سوی این سندیکاها با نهی محکم دولت روبروست. دستمزدهای تحقیرآمیز، نابودی قانون کار، خصوصی کردن تامین اجتماعی و دستبرد به اندوخته های ما در این سازمان، همگی نشان از هجوم گسترده سرمایه داری به دستور صندوق بین المللی پول برای نابودی دستاوردهای کارگری ماست.

بیایید هم پیمان شویم در جهت موارد زیر بکوشیم و متحد شویم:

۱- قوانین کارگری فعلی هر چند با خواسته های زحمتکشان فاصله دارد اما هرگونه دستبرد به قانون کار ، تغییر در قوانین تامین اجتماعی و خصوصی کردن آن را خط قرمز خود دانسته و اعلام می کنیم با واکنش سخت ما روبرو خواهد شد.

۲- امنیتی کردن فعالیت صنفی و زندانی نمودن فعالان کارگری را برخلاف قانون اساسی دانسته، خواستار وارد نشدن نیروهای امنیتی به حوزه کارگری و آزادی بی قید و شرط همه فعالین صنفی هستیم.

۳- برای مصوب شدن قانونی در جهت مجازات کارفرمایانی که دستمزد ناچیز کارگران خود را به تعویق می اندازند، در سال جدید خواهیم کوشید.

۴- آموزگاران، پرستاران، نویسندگان، زنان خانه دار و زنان سرپرست خانوار، کوشندگان حوزه آسیب های اجتماعی، زنان، دانشجویان .... همگی از متحدان ما در این مبارزه سخت هستند و از حمایت های ما برخوردارند.

۵- باز هم در سال جدید خواهیم کوشید اتحادی در میان همه کوشندگان کارگری بوجود بیاوریم و امیدواریم که چنین شود.

**خواهران و برادران!**

سرمایه داری برای دستبرد به نان فرزندانمان متحد شده است، برماست که متحد شویم و این نقشه شوم را بی اثر کنیم.

**گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران**

**متحد تر باد همبستگی همه زحمتکشان**

**سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران**

**۱۰ اردیبهشت ۹۶**

## کارگران ایران و روز کارگر

Kmkoomk.wordpress.com

در آن روزگاری که در ایران صنایع سنگینی وجود نداشت و تنها کارگاه های کوچک آهنگری و چند کارگاه کوچک چاپ در سراسر این کشور استبداد زده پیدا می شد، در کشوری که هر روز یک دیکتاتور یا از استعمار انگلیس ویا امپریالیسم آمریکا برایش صادر می شود و آنها هم با حمام خون صدای کارگران مبارز ایرانی را می دوزند. در آن روزگار تار و تاریکی که شاهان قاجاریه فارغ از دنیای در حال پیشرفت صنعتی – علمی، سرسره های سکسی در کاخ های خود می ساختند (به کتاب سوسمار الدوله مراجعه شود) مولدان کشاورز و صنعتگر ایرانی از فقر و بیگاری و مالیات های رنگارنگ مانند امروز؛ به روسیه تزاری مهاجرت می کردند تا با کار در صنایع نفت و معادن یک استعمار گر و امپریالیسم همسایه لقمه ای حقیر برای کودکان خود به دست بیاورند. در آن شرایط بود، که حزب مبارز و انقلابی سوسیال دموکرات روسیه با رهبری پویای خود قوی ترین تشکیلات کارگری تاریخ را در سیاه ترین دیکتاتوری راسپوتینی ایجاد کرده بود و به کارگران رنج دیده ایرانی به چشم برادران ستم دیده می نگریست و با باور به همبستگی کارگران جهان در آن شرایط اختناق آنها را آموزش سیاسی – انقلابی می داد تا به ایران برگردند و با ایجاد تشکیلات زیرزمینی سوسیال دموکرات در تبریز و مشهد و تهران ایران را آماده ی انقلاب بزرگ مشروطه بنمایند. در ایرانی که با اقتصاد طبیعی – کشاورزی روزگار می گذارند طی چند سال صاحب صد ها هزار کارگر انقلابی شد که کار صنعتی و باور مبارزه جویانه را در یک کشور امپریالیستی آموخته بودند، ولی برای پیشرفت ایران آستین های اتحاد و مبارزه را بالا زدند و پس از شکست مشروطه اول و پیروزی مشترک استبداد وطنی و امپریالیسم تزاری – انگلیسی، سوسیال دموکراتهای ایران بودند که با ۱۸ ماه مبارزه خونین در حالی که شهر بزرگ و تاریخی آنها تبریز در محاصره نیروهای استبداد و عشایر بختیاری و تنکابنی کرد و ترک و رضا خان میرینج بودند، آنها را شکست دادند و وادار به عقب نشینی نمودند و مشروطه ایرانی را به همت کارگران سوسیال دموکرات و زحمت کشان ایرانی در ایران ایجاد نمودند و پرچم آزادی و داد را پس از اروپا در آسیا برافراختند و در همه ی قاره های جهان تأثیری ژرف به جا گذاشتند. ولی امروزه در تجمعات کارگری که روبروی مجلس گوش به فرمان صندوق بین المللی پول، در اواخر سال ۹۵ صورت گرفت، کارگران در سندیکا ها و شوراهای دولتی- کارگری به شیوه کاست گرایان قرون وسطی هر کدام در یک گوشه بساط خود را پهن نموده بودند و نیروهای دیگر را به خود راه نمی دادند. شاید سندیکا های مستقل از نفوذی ها وحشت داشتند ولی کارگران دولتی که چنین وحشتی نداشتند. تریبون را در اختیار داشتند و اجازه نمی دادند کسی به آن نزدیک شود تنها نمایندگان مجلس حق گفتگو را داشتند. از هیچ سندیکا و اتحادیه مستقل دیگری دعوت به همراهی نمی کردند. تنها

چیزی که در آن جمع نمودی نداشت اتحاد کارگری بود. حتی سندیکا های مستقل هم در یک گوشه گرد هم جمع نشدند و از همه سازمانهای دیگر دعوت به همراهی نکردند. پرسشی که در این شرایط پراکندگی برای همه به وجود آمد این بود آیا کارگران با این شیوه قادر خواهند بود دولت های رهرو اقتصاد مالی - دلالی امپریالیستی (تعدیل ساختار - و خصوصی سازی) را وادار به بازگشت به قانون کار و قانون اساسی بنمایند؟! کارگران مبارز ایرانی که در دهه های پیش از انقلاب بر روند جنبش کارگری جهان تاثیر گذار بودند آیا قادرند با اتحاد خود این دولت های پس از جنگ را وادار نمایند به اصل ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی که دستاورد انقلاب بزرگ مردم ایران بوده باز گرداند و قانون کار را در جهت منافع کارگران که تنها دستان مولد آنهاست که به جامعه زندگی می بخشد و می تواند ایران را به توسعه صنعتی باز گردانند؟ یا مانند دولتمندان حاکم خود را اسیر کلی گویی و بزرگ نمایی می کنند. اقتصاد ریاضتی را اقتصاد مقاومتی تعریف می کنند و به خیال خود مردم را می پیچانند، در حالی که خود و باورهایشان را مانند کاتولیک های قرون وسطای دوران انگیزاسیون اروپا به پرتگاه نیستی می کشانند.

روز بزرگ اول ماه می در پیش است و وحشت از جشن گرفتن و دور هم جمع شدن مانند هر ساله کارگران را دچار وحشت زندان و شلاق نموده است. آیا باید مانند برخی کارگران کرد برای ایجاد اجتماع، شهر ها را رها کرده و اجتماعات را در جنگلها برگزار نمایند؟ یا به اطلاعیه هایی بپیوندند که درون مایه اش تنها یک بزرگ نمایی تبلیغاتی است؟ با امید به آگاهی و تشکل کارگران ایران برای یک اثر گذاری جهانی دیگر در تاریخ جنبش کارگری ایران و جهان.

## اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

سخن گو ناصر آقاجری

۴ اردیبهشت ماه ۹۶



## فرخنده است اول ماه مه؛ روز جهانی کارگر

اول ماه مه روز جهانی کارگر روز جشن و جلوه‌گری پرشمارترین طبقه‌ی اجتماعی است که گرچه سازندگان ثروت های جهانند، خود اما بی بهره‌ترینند. هم از این نقش و جایگاه است که اندیشه‌ی زیبا کردن جهان با آزادی و عدالت برمی‌خیزد. در پهنه‌ی اجتماع نویسندگان و پدیدآورندگان فرهنگی نیز زیست و سرنوشتی همچون کارگران دارند. گرگاه هم سرنوشتی نویسندگان و کارگران فقط شهروندی در جامعه‌ای مشترک نیست بلکه پیوندهایی جدی‌تر دارد: تا آنجا که نویسندگان در ازای نوشته‌های خود مزد می‌گیرند، مزدبرانی هستند همچون دیگر مزدبگیران در چهارچوب مناسبات موجود. به این معنا هنگامی که دولت‌ها هر سال حداقل دستمزد کارگران را تعیین می‌کنند، برخلاف ظاهر امر، میزان برخورداری نویسندگان از زندگی را نیز رقم می‌زنند. انتظار بیهوده‌ای است که دستمزد کارگران جامعه چند بار زیر خط فقر "توشیح" شود؛ آنگاه کسانی که با کار فکری گذران می‌کنند بتوانند از شرایط بهتری برخوردار باشند. حق برخورداری ما نویسندگان از امکانات زندگی را نیز همان زمان رقم می‌زنند که حداقل دستمزد را اعلام می‌کنند. هیچ دیوار ستبری این عرصه‌ها را از هم جدا نمی‌کند و هیچ پرده‌ی توهمی نیز نباید چنین کند. محرومیت نویسندگان چه در مناسبات اقتصادی و چه در دیگر زمینه‌ها از آن روست که بزرگترین طبقه‌ی اجتماعی جامعه بی‌بهره از حقوق و نابرخوردار است. بنابراین دفاع نویسندگان از منافع کارگران دفاع از منافع خودشان است؛ همچنان‌که پشتیبانی قشرهای دیگر از جمله کارگران از آزادی بیان و ستیز با سانسور حمایت از حق آزاد زیستن‌شان است.

در ایران به موازات فرو کاستن بی‌وقفه‌ی سطح معیشت کارگران از خط حداقل‌ها به خط فقر و از مسکنت به خط بقا که سرمنشا بسیاری از رنج‌ها و تباهی‌هاست، مقابله با آن نیز شدت و گسترش یافته است. در یکی دو سال اخیر تقریباً هیچ روزی نبوده است که کارگران بخش‌های مختلف برای دستیابی به خواسته‌ها و مطالبات معوق خود به خیابان نیامده و با بگیر و ببند و پرونده‌سازی و شلاق حاکمیت روبرو نشده باشند؛ از این رو خواست آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثناء و لغو همه‌ی اشکال سانسور فقط امر نویسندگان

نیست بلکه به کارگران نیز مربوط است تا دیگر به صرف بیان اعتراض، پیگیری خواست‌ها و ایجاد تشکل محاکمه و زندانی نشوند.

روز اول ماه مه تجلی جهانی و تاریخی همبستگی میان مزدبران است؛ یادآور تاریخی است سراسر حق خواهی و عدالت جویی.

کانون نویسندگان ایران اول ماه مه را به کارگران ایران و جهان شادباش می‌گوید و خواهان آزادی همه‌ی فعالان کارگری و نویسندگان و روزنامه نگاران در بند و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی است؛ خواهان مختومه شدن پرونده‌های امنیتی گشوده شده برای کارگران و نویسندگانی است که "جرمی" جز بیان اعتراض و کوشش برای رسیدن به حق خود ندارند.

## کانون نویسندگان ایران ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶

### گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر!

اول ماه مه، روز جهانی کارگر روز اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران در سرتاسر دنیا را در شرایطی گرامی می‌داریم که فاصله طبقاتی و شکاف میان سرمایه داران و کارگران به بالاترین حد خود رسیده و روز به روز نیز بر شدت و حدت آن افزوده می‌شود. تعمیق و تشدید بیش از پیش تضادهای طبقاتی و افزایش روزافزون درآمد و ثروت اقلیتی از سرمایه داران و صاحبان قدرت، در مقابل تشدید فقر و فلاکت فزاینده ی اکثریت عظیمی از کارگران و توده های مردم محروم و تحت ستم جهان، نمایشی از چهره عریان و آشکار بربریت و توحشی است که نظام گنبدیده و ضدکارگری سرمایه داری، برای اکثریت قریب به اتفاق کارگران و بشریت امروز به ارمغان آورده است. در واقع تحت سلطه و حاکمیت یک چنین مناسبات و البته در سایه ی سلطه یک چنین نظام و سیاست هایی است که به ویژه در اوضاع و احوال کنونی جهان، از یک سو به شکل لجام گسیخته و سرسام آوری بر دارایی ها و ثروت سرمایه داران افزوده می‌شود و از سوی دیگر، کارگران (همه ی آنان که کار می‌کنند و با کار و تولید خود رفاه و آسایش را برای احاد

بشر فراهم می آورند) هر روز فقیرتر و بی چیزتر شده و به فقر، خانه خرابی و فلاکت کشانده می شوند. بی جهت نیست که براساس جدیدترین گزارش مؤسسه غیردولتی آکسفام، دارایی تنهاهشت نفر از ثروتمندترین های جهان با دارایی بیش از ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفر از جمعیت جهان برابری می کند.

بدون تردید وجود چنین فاصله ی عظیم طبقاتی، نتیجه استمرار مناسبات نابرابر و پوسیده سرمایه داری و سیاست های استثمارگرانه و ظالمانه ی حاکم بر دنیا است که امروزه، به ویژه از طریق توصیه های نئولیبرالی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به دولت ها دیکته شده و از این طریق به خورد کارگران و توده های تحت ستم و استثمار مردم داده می شود.

کشورما ایران نیز به عنوان یکی از اقمار سرمایه داری جهانی از این قاعده مستثنا نیست. صاحبان سرمایه و دولت های حامی آن در ایران در راستای مهیا نمودن هرچه بیش تر شرایط برای انباشت سرمایه و کسب سودهای نجومی، کارگران را به شدیدترین و بیرحمانه ترین شکل ممکن استثمار می کنند و شرایط بس سخت و دشواری را به ویژه به لحاظ معیشتی به این طبقه تولید کننده و هستی ساز تحمیل می نمایند که تعیین دستمزد ۹۳۰ هزار تومانی دستپخت "شورای عالی کار" برای سال ۹۶ و به تعطیلی کشاندن بسیاری از کارخانه ها، کارگاه ها و معادن کشور و اخراج و بیکارسازی های گسترده کارگران تنها نمونه هایی از آن هستند.

کارگران در ایران امنیت شغلی ندارند از بیمه های اجتماعی مکفی و کارآمد برخوردار نیستند؛ قراردادهای موقت و شرکت های پیمانکاری و واسطه ای امان شان را بریده؛ بخش های وسیعی از آحاد این طبقه با حقوق های معوقه دست به گریبانند؛ سفره شان بیش از هر زمان دیگری خالی است و گرانی فزاینده کالاها و مایحتاج عمومی رمقی برای شان باقی نگذاشته است؛ از حق ایجادتشکل های مستقل کارگری و حق اعتراض و اعتصاب محرومند و حق آزادی بیان از آنان سلب شده است؛ نمی توانند آزادانه مراسم بزرگداشت روز جهانی کارگر را همچون کارگران بسیاری دیگر از کشورهای دنیا برگزار کنند و ...

به همه ی این ها البته باید تحمیل ستم و بی حقوقی بر زنان؛ بیکاری فزاینده جوانان؛ گسترش کار کودکان؛ کاهش خدمات درمانی و بهداشتی؛ سرکوب تشکل ها و اعتراضات کارگری؛ فقدان آزادی های دموکراتیک و سیاسی و امنیتی کردن هر شکلی از حق طلبی و اعتراض که برای پیگیری خواست ها و مطالبات کارگران و توده های مردم به جان آمده صورت می گیرد را اضافه کرد. و در این ارتباط احضارهای مکرر کارگران آگاه و فعالان کارگری و تهدید، دستگیری و زندانی کردن آنان به بهانه های واهی رنج های عدیده ای را بر ایشان افزوده است. آری سرمایه داری در ایران وضعیت بسیار خطرناک و فاجعه باری را برای کارگران و توده های زحمتکش مردم رقم زده است.

بدون تردید چنین وضعیتی برای کارگران و توده های زحمتکش مردم قابل تحمل نخواهد بود و خواه - ناخواه آنان را رو در روی صاحبان سرمایه و دولت حامی آن قرار خواهد داد. تا آن جا که به ویژه در سال های اخیر بخش ها و لایه های مختلف طبقه کارگر، اعم از کارگران حمل و نقل، صنایع و خدمات، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و اقشار مختلف مردم با اعتراضات و مبارزات خود مخالفت خود را با ادامه چنین روند ظالمانه و غیرانسانی ای نشان داده اند.

در این راستا تشکل های امضا کننده زیر ضمن گرامی داشت این روز بزرگ و تاریخی مطالبات خود را به شرح زیر اعلام می کنیم:

۱- در حالی که خط فقر بیش از چهارمیلیون تومان در ماه برآورد شده است، تعیین حداقل دستمزد از سوی "شورای عالی کار" به میزان ۹۳۰ هزار تومان در واقع به منزله تحمیل فقر و فلاکت بیش تر به کارگران و خانواده های آنان می باشد. ما خواهان دریافت حداقل دستمزد به میزان ۴ میلیون تومانی برای سال ۹۶ هستیم.

۲- بخش وسیعی از کارگران در شرایط کنونی با دستمزدهای معوقه دست به گریبانند. دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شده و عدم پرداخت آن ها به مثابه جرم قابل تعقیب، مورد پیگرد قضایی قرار گیرد.

۳- با وجود اینکه مطابق قانون اساسی باید آموزش تحصیلات برای همه مردم رایگان باشد؛ بخش های وسیعی از آموزش در کشور خصوصی شده و بخش های دولتی نیز برای آموزش مبالغ زیادی دریافت می کنند و طبقات محروم جامعه از آموزش رایگان و با کیفیت محروم هستند. ما کارگران ضمن محکوم کردن روند مذکور خواهان آموزش با کیفیت و یکسان رایگان برای عموم مردم کشور هستیم.

۴- ما کارگران به ویژه در شرایط تورم و گرانی روزافزون کالاهای اساسی در جامعه، اعمال برخی سیاست های معروف به ریاضت اقتصادی همچون رها سازی قیمت ها و حذف سوپسیدها از جمله آب، برق و گاز و اخراج و بیکار سازی کارگران با بهانه ها و ترفندهایی چون تعدیل نیرو و خصوصی سازی، مقررات زدایی از حقوق کار و نابودسازی برخی از دستاوردهای چند ده ساله حقوق کارگری و تعرض ضد کارگری به قانون کار و ... را محکوم نموده و خواهان پایان بخشیدن به این قبیل سیاست های اسارت آور و ضد عدالت اجتماعی هستیم.

۵- قراردادهای سفید امضا و شرکت های پیمانکاری و واسطه ای ابزاری برای استثمار کارگران می باشد. ما کارگران خواهان برچیده شدن این گونه قراردادهای اسارت آور و شرکت های پیمانکاری و واسطه ای هستیم.

۶- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از يك زندگی انسانی، مطابق با استانداردهای جهانی و رفع هرگونه تبعیض و نابرابری در پرداخت مستمری و مزایای این بخش از کارگران می باشیم. ما همچنین خواهان بیمه ی درمان رایگان برای کارگران و تمامی مزدبگیران و قشر فرودست جامعه هستیم.

۷- اخراج و بیکارسازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری مکفی، برخوردار باشند.

۸- ما کارگران خواهان برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمامی شئونات زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی و محو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنان می باشیم.

۹- سازمان تأمین اجتماعی با اندوخته های کارگران ایجاد شده است بنابراین می بایست به دست نمایندگان منتخب و واقعی کارگران اداره شود. ما خواهان برخورداری همه کارگران و زحمتکشان جامعه از امکانات و مزایای بیمه های تأمین اجتماعی هستیم و دست اندازی به اموال و دارایی های کارگران در این سازمان را محکوم می کنیم.

۱۰- ما کارگران سرکوب و کارشکنی و عدم به رسمیت شناختن حقوق سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری را محکوم کرده و خواستار تشکیل سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری و رعایت حقوق بنیادین کار، به ویژه مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار دایر بر "آزادی ایجاد تشکل های مستقل" و "عقد قراردادهای دستجمعی" هستیم. و دادخواهی و شکایت کارگران را در این باره به نهادها و سازمان های بین المللی حق مسلم تمامی کارگران می دانیم.

۱۱- هر گونه اعمال فشار، پرونده سازی و صدور احکام شلاق، بازداشت و زندان برای کارگران و فعالان کارگری، مدنی و اجتماعی بایستی متوقف شود. ما خواهان رفع فوری تمامی این فشارهای زجرآور بر فعالان جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی حق طلبانه هستیم و آزادی فوری و بدون قید شرط تمامی کارگران و فعالین کارگری زندانی را خواستاریم.

۱۲- تشکل های دست ساز دولتی - کارفرمایی همچون خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و ...، تشکل های واقعی کارگران ایران نیستند و نباید از جانب سندیکاها و اتحادیه های کارگری جهانی به رسمیت شناخته شوند. ما به رسمیت شناختن تشکل هایی چون خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و مجمع عالی نمایندگان کارگران ایران و ... را در تشکل ها و مجامع بین المللی کارگری محکوم می کنیم.

۱۳- کار کودکان باید ممنوع اعلام گردد و همه بی کودکان جدا از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین و نوع جنسیت و وابستگی های ملی، نژادی، مذهبی و ... باید از امکانات تحصیلی و آموزشی، رفاهی و بهداشتی رایگان و برابر برخوردار باشند.

۱۴- ما خواهان رفع هر گونه تبعیض و بی عدالتی نسبت به کارگران مهاجر در ایران از جمله کارگران مهاجر افغان و نیز سایر کارگران مهاجر در سراسر جهان می باشیم.

۱۵- ما به همراه عموم کارگران ایران و جهان، سیاست های مداخله گرانه، جنگ افروزانه و تجاوز کارانه از جانب هر دولت متجاوز را علیه مردم کشورها محکوم نموده و خواهان برقراری صلح، امنیت، رفاه و پیشرفت برای تمامی مردم ایران، منطقه و جهان هستیم.

۱۶- ما کارگران خواهان تحقق کلیه حقوق و مطالبات معلمان، پرستاران و کلیه کارگران هستیم و آزادی بدون قید و شرط فعالین دلسوز زندانی این بخش از طبقه کارگر را خواستاریم.

۱۵- اول ماه مه، روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام شده و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود. ما خواهان لغو هرگونه محدودیت در برگزاری مراسم این روز جهانی هستیم

## کارگران جهان متحد شوید!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

یازده اردیبهشت ۹۶

## بیانیه پیشتازان عدالت به مناسبت روز جهانی کارگر

در ۱۸۶۶، در پی خواسته اتحادیه سراسری کارگران، کنگره آمریکا قانون هشت ساعت کار روزانه را تصویب کرد. متعاقب آن، با تسلط سرمایه داران، قانون فوق کنار گذاشته شد. در پی آن، اعتراضات و کشمکش‌ها شروع شد و تا دهه ۱۸۸۰، یعنی دوران بحران کارگری در آمریکا، ادامه یافت. در ۱۸۸۱، ۴۷۱ اعتصاب به وقوع پیوست و سرانجام، در پی يك سلسله اعتصابات در شهر شیکاگو، تظاهراتی بر ضد وضعیت موجود کار بر پا شد که نظام حاکم آمریکا آن را به خاک و خون کشید. چند سال بعد، به پاس بزرگداشت کشته شدگان جنبش کارگری، کارگران دست به اعتصاب زدند و در ۱۸۹۹ کنگره پاریس روز اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت ماه) را روز کارگر اعلام کرد. از آن پس تاکنون، هر سال این روز در سراسر جهان به عنوان روز جهانی کارگر گرامی داشته می‌شود. در آمریکا (الگویی سیستم سرمایه داری) تنها در يك روز (اول ماه مه سال ۱۸۸۶) عده زیادی از کارگران فقط به جرم اینکه خواستار محدود کردن ساعات کار به ۸ ساعت کار در روز بودند، به خاک و خون کشیده شدند. خانم «مری جونز» یکی از هزاران کارگری است که در آن تظاهرات حضور داشته و در خاطرات خود چنین می‌نویسد: «اول ماه مه نزدیک می‌شد. بنا بود که جنگ کاهش کار به روزی ۸ ساعت شروع شود. از چهار سمت شهر اعتصابات همراه با تظاهرات برپا می‌شود. کارفرماها شبخ انقلاب را جلوی چشمشان می‌دیدند... پاسبان‌ها بی‌هیچ خطاری به کارگران حمله کردند و جمعیت را زیر آتش گرفتند. از چپ و راست باتوم بود که تو سر جمعیت می‌خورد. عده‌ای کشته شدند و جوانها را هم تا سرحد مرگ زدند. عده‌ای هم زیر دست و پایی اسب پاسبانها مانده بودند و جمجمه شان له شده بود.» . روز جهانی کارگر رخدادی است برای همبستگی زحمتکشان در برابر فرا دستان . زنده باد عدالت تا پایان و محو استثمار و بهره‌کشی انسان از انسان .

### پیشتازان عدالت اردیبهشت ۱۳۹۶

## تا به کی بی قانونی!



با خبر شدیم جمعیت دفاع از کودکان کار واقع در محله پاسگاه نعمت آباد پلمب شده است. کوشندگان این جمعیت سالهاست که خدمت رسانی به کودکان این محله اهتمام داشته اند و برای بهبود وضعیت آموزشی، بهداشتی، ..... این کودکان تلاش نموده اند. کاری که وظیفه اصلی دولت هاست.

کوشندگان عرصه بهبود نسبی وضعیت این کودکان چرا باید از خدمتگزاری به کودکان کشورشان محروم شوند؟ با بستن جمعیت دفاع از ودکان کار چه نهادی وظایف آنها را بر عهده گرفته است؟ سوادآموزی به کودکان کار، آموزش های بهداشتی و سلامت روحی و در یک کلام امید خانواده های کارگری این محله را چه کسانی ناامید می خواهند؟

ما اعلام می کنیم پلمب جمعیت دفاع از کودکان کار بر طبق اصل ۲۶ قانون اساسی، غیرقانونی و خلاف حقوق شهروندی و حقوق بشر است. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران وظیفه خود می داند از هیچگونه همکاری و همیاری به خواهران و برادرانش در این جمعیت کوتاهی نکند و با ابراز همبستگی از آنان حمایت می کند.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**  
اول اردیبهشت ۱۳۹۵



## آذربایجانا تسلیت!

آذربایجان از بی مدیریتی باز هم داغدار شد. سیل ویرانگر نشان داد که وطن از چه در رنج است. اگر مردم زحمتکش جنوب را بی تدبیری خفه می کند در آذربایجان این سیل است که از بی لیاقتی مدیران، دهقانان را خانه خراب می کند. این مدیران تنها کاری که یاد گرفته اند طلب مغفرت کردن برای حادثه دیدگان است.

ما ضمن مقصر دانستن استاندار و فرمانداران و شهرداران این شهرها، با زحمتکشان و دهقانان عجیبشیر و آذرشهر و آهالی روستای چینار اعلام همدردی می کنیم.

سیلین تلفاتین بوتون داغدیده لره خصوصیه عجب شیرلی و آذرشهرلی دوسلاریمیزا تسلیت دئییریک. آذربایجان باشین ساغ اولسون.

**یاشاسین شرفلی و سرافرازلی آذربایجان خلقی**

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**

**۲۶ فروردین ۱۳۹۶**

## اول ماه مه روز جهانی زحمتکشان



زحمتکشان عالم

تبریک و تهنیت باد

چهان به کامتان باد

در سایه تشکل

کارگر و کشاورز

کوشند هر شب و روز

عید شما مبارک

بر جمع و بر یکایک

باشادی و مسرت

اندر مسیر وحدت

بازحمت و مرارت

بهر رفاه ملت

از کوشش معلم	فرهنگ و فهم و دانش
نادانی و جهالت	شوید ز مغز مردم
با چالش و مصمم	مرد و زنان بهداشت
در عرصه سلامت	یار و انیس مردم
حفظ است نظام کشور	ز نیروی نظامی
افتد به خاک ذلت	گر دشمنی بجنبد
هرگز نمی پسندند	امپریالیزم منفور
یگانگی و وحدت	در جمع ما مسرت
ما رهبر جهاتیم	با اتحاد و وحدت
افتد ز اوج قدرت	امپریالیزم خوانخوار
در گرو رزم ماست	رفاه و شادی ما
در بیم هست و وحشت	دشمن زشادی ما

محمد حسین خوان یغما پیشکسوت بزرگ  
سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

اول فروردین ۱۳۹۶

## مای بایرامی



گلیر مای بایرامی هنر بایرامی کارگر بایرامی ظفر بایرامی  
گلیر مای بایرامی گلیر شانلی گون گلیر توفانلی گون بیر عصیانلی گون

گلیر عصیرلرین یورغون سه سیندن زحمتین ابدی عابیده سیندن

دئیشمز زحمتین آدینی ایلر مین کره ظالیمی دوران دئیشدی  
گلسین آلا، آلا، یئنی نسیلر یانسین گوزلرینده انتقام عشقی

مین کره ظالیمی دوران دئیشدی

یاشاسین بیر مای کارگر گونو یاشاسین دونیانین بختور گونو

ترجمه

## اول ماه می روز کارگر

می آید عید مای عید هنر      می آید عید مای عید ظفر  
می آید عید مای روز باشکوه      با توفان می آید آن روز عصیان

می آید از صدای خسته زمان      با نشان ابدی زحمت  
و نام تغییر ناپذیر زحمت در تار یخ

و ظالم را دوران بارها تغییر داده است بیا بند صف، اندر صف نسل جوان  
باشعله های انتقام عشق درچشم هایشان و ظالم را دوران بارها تغییر داده است

زنده باد اول ماه می روز کارگر      زنده باد روز پیروزی جهان

ذوالفقار کمالی شاعر فلزکار

اردیبهشت ۹۶

## گرامی باد اول ماه مه روز کارگر

همی گویند که آمد اول مه  
 به تاریخش کنیم اندک اشاره  
 چو طغیان گشته بر سرمایه داره  
 چه قلب ها گشته در شیکاگو پاره  
 طبقه کارگر با راه و چاره  
 به خون خویش نوشت، ۸ ساعت کاره  
 همه کارگران نیمه آگاه  
 شدند آگه که این قانون کاره

استاد محمد کاهه کارگر فلزکار

۶ اردیبهشت ۹۶

## کشتار کارگران در صنایع نفت، گاز، و انرژی!

بر اساس گزارش رسانه‌های رسمی کشور، از ششم فروردین تا دوازدهم فروردین سال جاری (۹۶) چهار کارگر صنایع نفت و گاز و انرژی در جریان سوانح کاری جان خود را از دست دادند، که در واقع به دلیل عدم توجه به ایمنی محیط کار و ابزار کار، سودجویی کارفرمایان، و نبود نظارت نوبتی وزارت کار بر محیط‌های کار بود. روز ششم فروردین ماه، در ایستگاه تقلیل فشار گاز همدان و در نتیجه آتش‌سوزی گسترده، دو کارگر بر اثر انفجار زنده زنده در آتش سوختند. همچنین، روز دهم فروردین نیز یکی از کارگران پتروشیمی تندگویان به نام «علی حیدری» در حین انجام کار بر اثر سقوط بوم جرثقیل جان خود را از دست داد. روز دوازدهم فروردین نیز بهزاد علوی، دکل‌بان قراردادی دکل ۹۱ فتح شرکت ملی حفاری ایران، به دنبال سقوط قاب دکل حفاری جانش را از دست داد.

این نمونه‌ها فقط بخشی از حوادث کاری است که خبرگزاری رسمی «ایلنا» گزارش داده است. متأسفانه این حوادث در صناعی روی می‌دهد که اصلی‌ترین بخش‌های اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهند و محصول و درآمد آنها بالغ بر ده‌ها میلیارد دلار است. کارفرمایان این صنایع افرادی تخصص فنی در حد استانداردهای بین‌المللی‌اند. اینکه چگونه همه امور فنی زیر پوشش آخرین استانداردها در صنایع نفت تعریف می‌شود ولی برای جان انسان‌ها پیشیزی ارزش قایل نیستند، جز سودجویی دلیل دیگری ندارد.

ما ضمن تسلیت به خانواده‌های برادران جان‌باخته‌مان، به وزیران نفت و کار اعلام می‌کنیم که با توجه به مقاوله‌نامه‌های متعدد سازمان بین‌المللی کار، و از جمله مقاوله‌نامه‌های ۱۵۵، ۱۶۱، و ۱۸۷، و پروتکل‌های الحاقی و توصیه‌نامه‌های مربوط به آنها که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف به اجرای آنهاست، مقصر اصلی این حوادث کاری را باید در وزارتخانه‌های نفت و کار جستجو کرد.

**سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران**

**۱۸ فروردین ۹۶**

## دستمزدهای تحقیرآمیز را نپذیرید!

سالهاست دستمزد کارگران نه بر طبق قانون اساسی (اصل ۴۳) و نه بر طبق ماده ۴۱ قانون کار مصوب می شود. طی سالهای پس از انقلاب همه از سفره انقلاب سهم خود را برداشته اند و آنچه مانده سفره های خالی زحمتکشان است. از اوایل زمستان آقای نوبخت و دیگران از تک نرخی بودن تورم سخن به میان آوردند و این بهانه ای شد تا کارفرمایان و وزارت کار در جلسات شورای عالی دستمزد روی این تورم تک رقمی ایستادگی کنند. چگونه تورم را کارشناسان محترم دولتی تک رقمی می کنند و در حالی که تخم مرغ در دو ماهه گذشته از ۳۵۰ تومان به ۶۰۰ تومان رسیده است.

نمایندگان کارگری در این مرحله از گفتگوها توانسته اند هزینه سبد معیشتی تعریف کنند و کارفرمایان و وزارت کار نیز مصوبه اش را امضا کرده و قبول نموده اند که هزینه سبد معیشت ۲ میلیون ۴۸۹ هزار تومان است. هر چند که این سبد معیشتی با خط فقر تعریف شده توسط کارشناسان کارگری ۱۰۰ درصد فاصله دارد اما قدمی به جلو است.

به اعتقاد سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران حداقل دستمزد بر طبق ماده ۴۱ قانون کار و بند ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی، می باید چند برابر خط فقر باشد. پیشنهاد ما به نمایندگان کارگری حضور یافته در این جلسات این است که از مبلغ هزینه سبد معیشتی که به امضای طرفین رسیده است عقب نشینی نکنند. چنانچه کارفرمایان و وزارت کار اصرار به رقمی پایین تر از ۲ میلیون و ۴۸۹ هزار تومان اصرار دارند آنان از امضای این حداقل حقوق تحقیرآمیز خودداری کرده و جلسات شورای عالی دستمزد را به نشانه اعتراض ترک کنند تا در مقابل خانواده های کارگری سرافکننده نباشند. هر ساله وزارت کار و کارفرمایان مدعی اند که این دستمزد حقیرانه را نمایندگان کارگری پذیرفته اند و شما را مقصر جلوه داده اند.

بی تردید این حرکت شما از حمایت میلیونها کارگر و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران برخوردار خواهد بود.

قضاوت تاریخ سخت است. در مقابل تاریخ رو سفید باشیم.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۴ اسفند ۱۳۹۵**



## ما اعلام می کنیم از فقر خسته شده ایم!

در حالیکه به پایان سال ۹۵ خورشیدی نزدیک می‌شویم مسئله افزایش دستمزد در سال جدید از مهمترین دغدغه کارگران بشمار میرود. نظر به اینکه داشتن یک زندگی شایسته و شرافتمند، حق مسلم هر انسانیت، از یزرو افزایش هرچه بیشتر حقوق و دسترنج کارگر نقش مهم و اساسی بازی می کند. درین رابطه و بر اساس قانون کار که مبتنی بر اصل سه جانبه گرایی (نمایندگان کارگران، کارفرماها و دولت) هر ساله در اسفند ماه کمیته دستمزد درین باره تصمیم می گیرد. تصمیمی که تاثیر بسیار مهمی در زندگی و معیشت کارگران بجا می گذارد. در قانون کار این افزایش دستمزد باید مبتنی بر دو اصل مهم و اساسی باشد. اول اینکه، افزایش حقوق کارگران باید بر اساس میزان تورم واقعی که مبتنی بر منابع اماری مختلفی باشد صورت گیرد و نه فقط بر اساس آمارهای دولتی. دوم، دستمزد مصوب در کمیته دستمزد، باید بالاتر از خط فقر افزایش یابد. خط فقری که در حال حاضر، حتی بر اساس آمارهای دولتی و بانک مرکزی بالاتر از ۴ میلیون تومان است.

درین میان از مهمترین نگرانی های ما کارگران اینست که: ۱- کارگران در ایران فاقد تشکلهای خود ساخته کارگری و مستقل هستند تا بتوانند از حقوق و زندگی آنها دفاع کنند.

۲- کارگران فاقد حق قانونی اعتصاب جهت دفاع از حقوق طبقاتی خود میباشند.

۳- ما اعلام می کنیم که تشکل دولتی خانه کارگر که در کمیته دستمزد به عنوان نماینده بخش کارگری حضور دارد، به هیچ عنوان نماینده ما کارگران محسوب نمیشود. و در سالیان اخیر، بجز ماماشات با کارفرماها و سرمایه داران و تزیع حقوق کارگران هیچ دستاوردی برای ما نداشته است. ما با صدای بلند اعلام می کنیم که خانه کارگر نماینده ما کارگران نبوده و نیست.

۴- در مسئله افزایش دستمزد، هدف ما دست یافتن به یک زندگی انسانیت. اینکه که بتوانیم بدون دغده و اضطراب ناشی از مسائل معیشتی نظیر، خوراک، پوشاک و مسکن، آنها با داشتن فقط یک شغل زندگی کنیم. از یزرو

اعلام می کنیم که تعیین دستمزد باید طبق همان دو اصلی که در قانون کار ذکر گردیده است صورت گیرد یعنی این افزایش هم باید بر اساس نرخ تورم و هم حقوق دریافتی باید بالاتر از خط فقر باشد. در سالیانه اخیر در بهترین حالت ممکن، افزایش حقوق فقط براساس نرخ تورم صورت میگرفت و دولت هم چشم خود را بر اصل دومی که مهمتر است می بست. اکنون هم از جمله نگرانی های ما اینست که، با توجه به امارهای دولتی که نرخ تورم امسال را تک رقمی اعلام نموده اند افزایش حقوق کارگران هم در آن حد باشد. در چنین صورتی، زندگی انسانی که پیشکش، زندگی بخور نمیر هم میسر نمیشود.

ما اعلام می کنیم از فقر خسته شده ایم. از اضطراب و دغده های معیشتی خسته شده ایم. در حالیکه مدیران دولتی با حقوقهای نجومی چند صد میلیون تومانی در ماه، شاهانه روزگار می گذرانند خسته شده ایم ازینکه وقتی نوبت به کارگران می رسد آنچنان قطره چکانی و نکته سنجی و ریزبینی بخرج می دهند و مو را از ماست جدا می کنند بخل می ورزند که البته نتیجه اش هم چیزی بجز فقر و فلاکت نمی تواند باشد. خسته شدیم ازینکه کارفرماها به بهانه های واهی، با تاخیرهای مکرر و فراوان در پرداخت همین چندرغاز حقوق زیر خط فقر، موجب به خطر افتادن زندگی ما کارگران میشوند. ما خسته شدیم ازینکه همیشه خدا در مقابل خانواده، شرمنده باشیم. و ایضا خسته شدیم از اینکه هر گونه حق خواهی و عدالت طلبی کارگران در مقابل کارفرماها و سرمایه داران، نتیجه اش چیزی بجز زندان، اخراج و شلاق نیست.

با آرزوی نیل به یک زندگی انسانی و با عزت برای تمامی کارگران جهان و از بین رفتن تمامی مظاهر تبعیض

**سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه**

**اسفندماه ۱۳۹۵**

## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مراسم اول ماه مه:

۱- در طی دو سال اخیر روز کارگر در ذوب آهن اصفهان تعطیل رسمی اعلام و اعمال می شود.

۲- جمعی از کارگران در روز کارگر در مقابل مجلس تجمع کرده و قطعنامه ای را قرائت کردند. متأسفانه در این تجمع یک نفر دستگیر و پس از یک روز بازداشت آزاد شد.

۳- در روز ۱۰ اردیبهشت پلیس فتا در کرج به خانه مازیار گیلانی نژاد کوشنده کارگری فلزکار مکانیک مراجعه و کیس کامپیوتر او را با خود بردند.

۴- کارگران فعال سندیکای کارگران شرکت واحد با حضور در پایانه اتوبوسرانی آزادی، این روز را به کارگران شرکت واحد تبریک گفتند.

۵- در چندین کارخانه کارگران به توزیع بروشورهایی در جهت معرفی روز کارگر پرداختند و مدیریت کارخانه نیز مبالغی را به عنوان هدیه روز کارگر به کارگران پرداخت نمود.

۶- در تهران و در خیابان فاطمی با حضور فعالین کارگری، جشن روز کارگر با موسیقی و شعر آذربایجانی جشن گرفته شد. یکی از کوشندگان کارگری فلزکارمکانیک نیز در مورد روز کارگر و مشکلات کارگران سخنرانی کرد.

۷- هیات کوهنوردی کارگران استان تهران طی صعودی همگانی با حضور کارگران کارخانه های صنعتی جاده قدیم کرج روز کارگر را جشن گرفتند.

### گزارش خبرنگار پیام سندیکا از معدن آزاد شهر:



همبستگی در این فاجعه بسیار چشمگیر بود. در ساعات اولیه کلیه معدنچیان به کمک همکاران محبوس شتافتند. پس از ساعاتی معدنچیان بازنشسته اتاق فکری برای نجات همکاران خود با مسولین هلال احمر تشکیل داده تا راههای عملی رسیدن به کارگران زیر آوار مانده را بررسی و پیشنهاد کنند. امروز ۱۴ اردیبهشت معدنچسانی از چند معدن کرمان و طبس برای کمک به معدنچیان آزاد شهری آمدند.

این همبستگی در فاجعه پلاسکو هم ابراز شد و جوشکاران زیر آب از بندرعباس و بوشهر و جوشکارانی از تبریز، اردبیل، اهر برای کمک به روند سریعتر آواربرداری با کلیه تجهیزات خود را به تهران رسانده بودند. هرچند این همبستگی با سکوت خبری رسانه های دولتی روبرو شد اما تاثیرش همچنان باقی است.

البته تلاش رسانه ها برای از زیر ضرب خارج کردن وزرای کار و صنایع در این حادثه با مصاحبه های آبی و ختم کردن ماجرا به توصیه هایی به صاحبان

معدن آزاد شهر مبنی بر رعایت ایمنی انجام شد اما حرفی از مجازات اینگونه کارفرمایان سودجو به میان نیامده و از قصور بازرسی وزارت کار هم حرفی زده نشد. ما باز هم تاکید می‌کنیم بخش بازرسی وزارت کار باید بسیار فعال و کارآمدتر تمامی مراکز تولیدی را بازدید کند. مسببان اصلی مرگ این عزیزان کارگر بطور قطع سیاست‌های سودجویانه سرمایه داری حاکم بر کشور و مجریان آن وزرای کار و صنایع هستند.

### گزارش خبرنگار پیام سندیکا از گروه ملی فولاد ایران:

خبر این است که، در جلسه‌ای که امروز با حضور استاندار خوزستان، مدیرعامل بانک ملی ایران، اعضای هیات مدیره این بانک، اعضای هیات مدیره گروه ملی فولاد ایران و وکلا و وراثت امیرخسرو آریا در دفتر آقای تورک، معاون دادستان تهران برگزار شد، بانک ملی متعهد شد طی ۱۰ روز آینده بخشی از مطالبات کارگران و کارکنان این شرکت را پرداخت کند و همچنین شرکت به فعالیت تولیدی خود ادامه دهد.

بی تردید بانک است، معامله کردن هم برایش بسیار سهل و آسان است، ولی باید در هر معامله ای سودی نهفته باشد، والا معامله ای سر نخواهد گرفت. حال پس از سال‌ها که کارخانه گروه ملی فولاد ایران، اعلام ورشکستگی کرد و کارگران زحمتکش آن کارخانه همه سرگردان شدند، و آواره شدند، اعلام می‌شود که می‌خواهد تولید را از سر بگیرند، و فعالیت اقتصادی خود را آغازی دوباره کنند. و این با همکاری بانک ملی میسر نموده است. گروه ملی فولاد ایران به بانک ملی واگذار شد.

ورشکستگی به چه معنی است؟ آیا واقعیت این نیست که در تولیدات بزرگ مافیای مالی نفوذ دارد و بدون عبور از آنان که نه، بلکه همکاری با ایشان هم نمی‌شود به تولید پایدار امیدوار بود؟

## گزارش های خبرنگار پیام سندیکا از نوب آهن



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

**الف) تجمع در نوب آهن:**

در تاریخ ۱۸ اسفندماه ۹۵ گروهی از کارگران بخش های مختلف مانند؛ کارگاه اصلی کوره بلند، کارگاه سرباره، کارگاه پالایش بنزول، کارگاه نورد و پالایش بنزول کارخانه ذوب آهن اصفهان در اعتراض به عدم دریافت عیدی و پاداش آخرسال درمقابل درب کارگاه چدن ریزی این واحد بزرگ صنعتی تجمع کردند. این تجمع که بیشتر کارگران پیمانکاری ها را در بر می گرفت، باعث شوک عظیمی به مدیریت کارخانه بود که ذوب آهن را کارخانه ای آرام می دانستند. از مدتها قبل موضوع تبعیض، فشارکاری، کمبود کارگران در بخش های مختلف، سومدیریت بخش های مختلف ذوب آهن، عدم پاسخگویی مناسب مدیران به اعتراضات زحمتکشان ذوب آهنی از جمله موضوعاتی بود که در گزارشات خبرنگاران پیام سندیکا ذکر شده بود و از مدیریت خواسته بودیم مشکلات را بر طرف کنند. متأسفانه مدیریت برای به سود رساندن کارخانه از قربانی کردن کارگران با تجهیز نکردن کارخانه، فشار به کارگران برای انجام کار چند نفر و پرهیز از استخدام کارگران مورد نیاز، ندادن دستمزد مناسب برای کار سنگین و طاقت فرسا و ارزش ندادن به کار کارگران باعث اصلی این تجمع بوده است.

بی تردید این آخرین تجمع نبوده و چنانچه مدیریت برای رفع مشکلات و بویژه استخدام نیرو و بالا بردن دستمزد کارگران متناسب با تولید، رفع تبعیض در رابطه باموضوع استخدامی کارگران اقدام نکند، اعتراضات گسترده تر خواهد شد.

**ب) مشکلات کارگران ذوب آهن:**

۱- کمبود نیروی کار در ریخته گری باعث فشارکاری زیاد بر روی کارگران گشته است. چرا شرکت برای استخدام نیرو اقدام نمی کند؟

۲- کیفیت نان توزیعی در رستوران شرکت بسیار بد است. چرا مسوولین اقدام برای رفع این مشکل نمی کنند؟

۳- برای خدمات رسانی بهتر برای استفاده از استخر چه کاری انجام شده است؟

۴- با اینکه در کارت غذای کارگران و کارکنان موجودی کافی وجود دارد ولی غیر قابل برداشت است. چرا مسوولین از سال گذشته تاکنون این موضوع را مرتفع نمی کنند.

ج) مهندس صادقی مدیرعامل ذوب آهن در جمع کارکنان و کارگران از تعصب کارگران به ذوب آهن گفت و از کارگران خواست همچنان صرفه جویی را در اولویت قرار بدهند. مهندس صادقی اما در مورد مشکلات کارگران و موضوع نامتناسب بودن دستمزد ها با کار سخت و وضعیت بد رفاهی کارگران هیچ نگفت.

آقای صادقی نگفت که آیا کارگران باعث بدهی ها شده اند؟؟؟ نمی دانیم چرا در مورد مقصرین این بدهی ها که مدیریت گذشته بوده اند ، هیچ اقدام قضایی صورت نمی گیرد؟ آقای صادقی باید به کارگرانی که می گوید صرفه جویی باید برایشان در اولویت باشد بگوید که سهم مدیران گذشته در این بدهی ها چقدر بوده است که توانش را کارگران سالهاست دارند می دهد.

**گزارش خبرنگار پیام سندیکا از اهواز:**

## شرکت فنی و مهندسی فالیز پژوهش پارس

شرکت فالیز پژوهش پارس واقع در شهرک صنعتی شماره ۲ اهواز که بیش از ۵۰ کارگر دارد از دیماه تاکنون حقوق و عیدی این کارگران را پرداخت نکرده است. در این واحد تولیدی از غذای گرم خبری نیست. مبلغ اضافه کاری محاسبه شده برای این کارگران از دو سال گذشته هم کمتر است. متأسفانه کارگران از هرگونه تشکل صنفی محروم هستند.

## گزارش های خبرنگار پیام سندیکا از پارس جنوبی:



۱- اولین هفته اردیبهشت ماه سال ۹۶ را در هنگامی شروع کرده ایم که باز هم سخن قحط سالی بی پول از زبان کارفرمایان غنی ترین پروژه های نفت و گاز ایران جاری میشود. در پایان اولین ماه بهاری سال جاری، بجای پرداختن دستمزدهای دی، بهمن و اسفند سال گذشته، کارگران زحمتکش پروژه ای، این سرمایه های گرانقدر نیروی انسانی را، با صد هزار تومان که شاید فقط پول یک یا دو روز از این ۱۲۰ و یا ۹۰ روز کارکردشان می باشد را به عنوان مساعده برای کرایه رفتن به شهرستان پرداخت می نمایند.

آنها کارگران با جسارت را در پایان سال گذشته به دلیل اعتصابات پیاپی برای گرفتن دستمزدهایشان از شرکتها اخراج و بلک لیست نمودند تا در آغاز سال جدید با خیال آسوده به چپاول و بهره کشی از نیروهای انسانی بپردازند... کارها از دست شرکتها به پیمانکاران و یا منپاورها و یا دلانان کار سپرده شده است تا سلب مسؤلیت از خود بنمایند و برای تمام پیشایندهای ناخوشایند حقوقی، انگشتان اتهام فقط به سوی پیمانکار یا منپاور نشانه برود. البته این دلانان کار هم از خود افراد شرکتها هستند و به شکل خشونت باری در جهت بردگی تمام، با محدود کردن وقت و حتی جیره خوراک و آب عمه ظلم کارفرمایان شده اند.

تسویه حساب کارگران تک تک و بخاطر موارد بسیار ریز که فقط بهانه هستند صورت میگیرد تا هم دیگر کارگران خوب حواس جمع باشند و اینکه دیگر



کسی را جسارت اعتراض نباشد و با ناداری و سرافکنندگی خوی بگیرد و جشن روز کارگر را نادیده بگیرد.

در روز گرامی داشت روز کارگر به خاطر خواهیم سپرد که این ما کارگران هستیم که چرخهای اقتصاد مملکتمان را میچرخانیم و همیشه در هر مبارزه ای برای سرزمینمان پیشگام بوده ایم؛ اما سیستم سرمایه داری لانه کرده در دولت در جواب اینهمه تلاش پیگیر برای آبادانی سرزمینمان، فقط به دنبال آن است تا قوانین ضد کارگری تصویب بنماید و ما را استثمار بنماید.

هیچگاه شرایط ناگوار حقوقی و رفاهی که کارفرمایان چپاولگر به واسطه پیمانکاربیهوشان بر کرده های ما کارگران وارد می آورند و تسویه حسابهای بی ملاحظه و بلک لیست شدن آنها و مهمتر از همه طرفداری نظام دادگستری و امنیتی و اداره کار از کارفرمایان و دستگیر و زندانی شدن کارگران و حتی شلاق خوردن آنان را بخاطر برچسب زدن تحت عنوان اغتشاش بر علیه نظم عمومی از یاد نخواهیم برد.

هیچگاه پرونده های خاک خورده و بایگانی شده کارگران معترض برای دستمزد قانونیشان بر علیه کارفرمایان را در قوه قضائیه از پادها مان زوده نخواهد شد.

جواب فریادها مان بلک لیست شدن و بیکاری و در نهایت شرمنده بودن در اوضاع نابسامان و قحطی زده ایران است.

ما کارگران ضد حکومت نیستیم؛ بلکه حکومت و دولتهای پس از جنگ بر ضد ما هستند... ما کارگران پروژه های نفتی و گازی ایران خواستار درست شدن وضعیت نابسامان حقوقی و قانونی خود هستیم و روز جهانی کارگر را به تمام کارگران جهان خجسته باد میگوییم... به امید پرورش دایره آگاهی و جسارت تمام در بین کارگران

(وارتان خرمدين، عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

ایران... ۱۳۹۶/۲/۸)

۲- در شهریور ماه سال ۱۳۹۵ شرکت ساختمان و نصب پتروشیمی بوشهر، جوشکاری لوله‌ها را به پیمانکار یا شرکت‌های تأمین نیروی انسانی داده بود و او نیز با فشار کاری زیاد و پایین آوردن دستمزدها کار خود را شروع نموده بود. این شرکت با ترفند قرارداد کاری، کار به جوشکارها داده بود و توانست کار را با سرعت زیادی تمام نماید.

پس از اعتصابات کارگران که از آذر ماه سال گذشته شروع شد و در نهایت در اوایل اسفند ماه به اخراج و بلک لیست شدن نیروهای بخش لوله‌کشی و جوشکارها که بالغ بر سیصد نفر بودند، شد. اما بعد از تسویه حسابها روشن شد که شرکت‌های تأمین نیروی انسانی مسئول جوش در جوشکاری لوله‌های استنلس استیل در پاسهای اول جوش بجای فیلر استیل از فیلر کربن استفاده کرده است و اینکار را نیز بخاطر سرعت کار انجام داده بودند و حتی نظارت کارفرما هم از طریق عکسبرداری هم نتوانسته بود این دسیسه بازی را تشخیص دهند. اما پس از تسویه حساب نیروها و اینکه شرکت در حق کارگران بی‌اعتنایی کرده بود عده‌ای از جوشکارها به نظارت کارفرما تماس می‌گیرند و حقیقت ماجرا را می‌گویند.

در بررسی‌های بعمل آمده از جوشکاری روشن شد که بیش از دوهزار اینچ از لوله‌های جوشکاری شده بایستی بریده و دوباره جوش بشوند که این خود تنها گوشه کوچکی از آسیب‌های نابودکننده مواد اولیه، هزینه‌ها و نیروی انسانی است که ما در سایه این سیستم بی‌انصاف می‌بینیم.

شرکت ساختمان و نصب نیز بعد از این خرابکاری حماقت باری که بار آورده است اعتبار خود را در پتروشیمی بوشهر از دست داده است و مجبور شده است که بیش از دو سوم نیروهای خود و حتی سرپرستها، دفتر فنی و جوش را نیز تسویه نماید و جای خود را به پیمانکاران دست سوم و چهارم بدهد. هم‌اکنون در پناه سیستم مبتنی بر استفاده از شرکت‌های تأمین نیروی انسانی هیچ حرفی برای گفتن ندارد و در اندیشه آن است که چگونه پاهای لرزان خود را بر روی زمین سفت بگذارد... به همین منظور هم در ۱۳۹۶/۱/۳۱ در شیراز با حضور همه سهامداران جلسه‌ای گرفته شد تا مدیر عامل جدید شرکت ساختمان و نصب تعیین شود.

### ۳- اعتصاب در سایت ۳ پتروشیمی بوشهر:



در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۳۰ به دنبال پیمان شکنی کارفرمای پتروشیمی بوشهر سایت ۳ و رییس شرکت ساختمان و نصب در پای بندی به تعهداتشان در حضور کارگران و نماینده و بازرس اداره کار عسلویه مبنی بر پرداخت کردن حقوق کارگران در موعد سر رسید، کارگران دست به اعتصاب زدند. کارگران باز هم بدون هیچگونه چانه زنی و مامشاتی دست به اعتصاب زدند و سرکارهایشان نشستند و تا امروز، سه روزی هست که هیچ خبری از پول نیست و معلوم نیست کی به حساب آنها پول ریخته خواهد شد. همچنین در این ماه پایانی سال بیشتر کارگران پروژه ای مجبور به اعتصاب و درگیری برای رسیدن به دستمزدهایشان می باشند با سیاس . ۲ اسفند ۹۵

### ۴- گزارش خبرنگار پیام سندیکا از بندرعباس:



دروود به کارگران سرزمینم.  
مسیر مطالبه گری در جهت حقوق کارگران در تمامی پروژه های کشور همچنان جریان دارد و کارفرمایان نیز با توجه به سبک و سنگین کردن حجم

اعتصابات، درب کیسه های جادویی را که به چک پول بسته هست همچنان سفت و شل می نمایند.

در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۲ کارگران صنایع فولاد بندرعباس که تلاش گسترده ای را از ماهها و هفته ها پیش برای گرفتن دستمزدهایشان آغاز کرده بودند در آخرین هفته سال با بی مهری و بی انصافی کارفرما مواجه شدند و فقط دستمزد مهر، آبان و آذر خود را دریافت نمودند و سه ماه پایانی سال را نیز دریافت نکردند و با خشم و ناراحتی به شهرستان های خود رفتند. البته مهمترین عامل ناکامی کارگران را میتوان افتادن در چاله تفرقه و درگیری که کارفرما درست کرده بود، دانست.

فازهای ۲۲ و ۲۴ نیز بعد از چند روز اعتصاب موفق شدند عیدی و دستمزد بهمن ماه خود را دریافت دارند.

شرکت نصرگستر کرمان در بندرعباس که در حال خاکبرداری اسکله باهنر می باشد هنوز دستمزدهای پیمانکاران را بعد از یکسال کاری پرداخت نکرده است و کارگرانی که از پیمانکار تسویه نمودند هنوز پولهایشان را بعد از گذشت ۶ الی ۹ ماه هنوز دریافت نموده اند.

بیشتر کارگران پروژه ها به دلیل اعتصاب برای دریافت دستمزدهایشان تسویه و بلک لیست شده اند و نمی توانند دیگر در پارس جنوبی کار کنند.

..به امید روزهایی که کارگران سرزمینمان در جلوی خانواده هایشان سربلند باشند... ۲۳ اسفند ۹۵

## ۵- گزارشی از صنایع فولاد بندرعباس (مادکوش)

در تاریخ ۱۰ اسفند یک قطعه آهن ۵ تنی از فاصله ۲ متری به پایین پرت شد که یک کارگر فرار کرده ولی دو تن از کارگران صدمه دیدند. اینگونه موارد از نمونه های مشخص عدم توجه کارفرمایان به ایمنی در کارگاهها میباشد. پیمانکار برای کسب سود بیشتر توجهی به ضرورت اطمینان از کارکرد ماشین آلات ندارد و به مقررات ایمنی کار واقعی نمیگذارد و جان کارگران را به خطر می اندازد. پیمانکار در حال حاضر تلاش دارد حادثه را به گردن کارگران بیاندازد. در صورتی که ابزار کار این کارگران مشکل دارد.

## ۶- گزارش تکمیلی از مادکوش صنایع فولاد بندرعباس:

با توجه به اینکه به پایان سال ۱۳۹۵ نزدیک می‌شویم کارگران مادکوش صنایع فولاد بندرعباس هنوز از مهر ماه تاکنون دستمزدهایشان را دریافت نکرده اند و اعتصابات پیاپی آنان هنوز هم به نتیجه درستی منجر نشده است و پیمانکار با گستاخی می‌گوید که پیش از عید فقط تا برج ده پوالتان را پرداخت خواهم نمود. البته ناگفته نماند که چند روز پیش یکی از کارگران اخراجی این شرکت بالای تاور رفت و رؤسای شرکت را تهدید کرد که اگر پولش را پرداخت ننمایند خودش را به پایین خواهد انداخت و خودکشی خواهد کرد که به دنبال این ماجرا پولش پرداخت شد؛ امانیروهای امنیتی و گاردویژه یک شب او را بازداشت نمودند

## گزارشی از شرکت نوین کاوش مامطیر (داروسازی نوکام) ساوه



۱- احتراماً به اطلاع میرساند کلیه پرسنل و کارگران شرکت نوین کاوش مامطیر (داروسازی نوکام) واقع در شهر صنعتی کاوه شهرستان ساوه از آبان ماه سال جاری تا بحال هیچ حقوقی دریافت نکرده اند و با توجه به اینکه کارفرما (آقای دکتر علیپور نظری) شخصاً به کلیه کارگران و پرسنل وعده داده بود تا پایان اسفندماه سال ۹۵ کلیه حق و حقوق، عیدی و سنوات سال گذشته تا بحال را با آنان تسویه خواهد کرد و قصد اخراج یا تعدیل نیرو نخواهد داشت؛ با این وجود در روز چهارشنبه مورخ هجدهم اسفند ماه پس از پایان ساعت کاری و خروج پرسنل از کارخانه آقای محمد طهماسبی (مدیرعامل) طی تماس

تلفنی از نگهبان کارخانه خواستند به کلیه کارگران اطلاع رسانی شود کارخانه تعطیل شده و از روز شنبه مانع ورود پرسنل به کارخانه شوند. این در حالیست که بیمه کارگران نیز از آذر ماه پرداخت نگردیده و ایشان حتی از شرایط بیمه بیکاری نیز برخوردار نمیشوند. کلیه پرسنل این شرکت قدمت بیش از ده سال سابقه کار در این کارخانه داشته و به این برخورد ناصحیح کارفرما که بدون اطلاع قبلی مانع ورود ایشان به کارخانه شده اعتراض دارند و خواستار کلیه حق و حقوق معوقه خود می باشند.

## ۲- با سلام خدمت همه مبارزین راه طبقه کارگر .

شرکت دارو سازی نوین کاوش مامطیر وابسته به شرکت فرزاد نامی که در شهرک صنعتی ساوه قرار دارد، حدود ۸ ماه است که تولید ندارد و در حال حاضر بدلیل اختلاف بین سهامداران به حالت نیمه تعطیل در آمده است . در روز ۲۷ فروردین به تعدادی از کارگران برگه عدم نیاز داه شده است . شایان توجه است که کارگران حدود ۴ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند و سنوات سالهای ۹۴ و ۹۵ خود را نیز طلبکار هستند. با توجه به جمعی که کارگران شرکت در محل کارخانه و اداره کار ساوه نمودند در اخر اسفند توانستند مقداری از طلب خود را بگیرند و در ایام عید از شرمندگی نزد خانواده در بیایند. کارگران شرکت نوکام خواهان خواسته های زیر هستند : ۱- راه اندازی مجدد شرکت و آغاز تولید ۲- دریافت حقوق داده نشده و حق سنوات و عیدی و پاداش ۳- دادن حق بیمه برای ۳ ماه اخر سال ۹۵ برای گرفتن بیمه بیکاری کارگران اخراج شده. در خاتمه به اطلاع میرساند که ما مطلع شدیم که شرکت بدلیل واهی مهاجرت سهامداران به خارج کشور به فروش گذاشته شده است لذا از سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران می خواهیم تا صدای ما را به گوش مسئولان برسانند و از نابودی یک کارخانه تولیدی و خانواده کارگران این واحد جلوگیری شود. سپاس

« سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران همبستگی خود را با این کارگران اعلام نموده و از هر گونه کمکی به این کارگران مضایقه نخواهد کرد. هر چند در سال گذشته نیز ما اخبار این کارگران را پوشش داده بودیم. به هر حال سندیکای ما پشتیبان شماست»

## گزارش هایی از کارخانه های خودرو سازی



ایران خودرو

۱- طی سه سال گذشته سرعت خطوط در ایران خودرو ۳۵ درصد افزایش یافته است. خطوط در هم ادغام شده و تعداد نفرات خط تولید نیز کاهش پیدا کرده است.

تولید خطوط از ۳۰ خودرو به ۴۲ خودرو افزایش یافته که در حقیقت با افزایش سرعت و کاهش نفرات خطوط، خستگی های مفرط، استرس بیشتر، از طرف مدیران به کارگران خطوط تحمیل شده است.

یعنی کارگر ایران خودرو ۲ برابر ۳ سال قبل کار می کند ولی حقوقش افزایش نیافته و میزان دریافتی اش بابت رکودهم ثابت مانده است

۲- با توجه به اینکه در آخرین اعتصاب قرار شد مدیریت روزهای تعطیل را برای کارگران روزکاری نزنند، ولی متاسفانه باز هم شاهد این بدقولی مدیریت هستیم. در روز میلاد امام علی ۲۲ فروردین مدیریت طی دستوری همه کارگران سه شیفت را ملزم به سرکار بودن کرد. با اینکه واکنش کارگران به این تصمیم مدیریت بسیار تند بود و به مدیریت منابع انسانی پیغام داده شد که شرکت این تصمیم را لغو کند ولی در نهایت همه کارگران مجبور به آمدن به سرکار شدند.

غیبت به معنای تمدید نشدن قرارداد و نمره منفی در پرونده کارگران است.

## مشکلات کارگران ایران خودرو:

- ۱- با توجه به تصویب سختی کار رانندگان لیفتراک، چرا این سختی کار به رانندگان لیفتراک سابق تعلق نمی‌گیرد؟
- ۲- چرا سختی کار کارگران لوازم تکمیلی و تزئینی که به دستور مدیریت منحل شده برای ما منظور نمی‌شود؟
- ۳- چرا در مورد بیمه تکمیلی و نحوه استفاده آن به ویژه در بیمارستانها، هزینه‌ها، و سقف آن اطلاع رسانی لازم صورت نمی‌گیرد؟
- ۴- در مورد صعود تیم‌های کوهنوردی و برنامه‌هایش اطلاع رسانی کنید تا بتوانیم استفاده کنیم.



- ۱- کارخانه ایران خودرو دیزل تولید کننده کامیون و کامیونت با ۴۸۰۰ کارگر و کارمند واقع در جاده ساوه از کارخانه‌های قدیمی و به نام تهران است. این کارخانه که امروز زیرمجموعه کارخانه ایران خودروست بیش از ۱۵۰ کارگر و کارمند زن در آن مشغول بکارند.

بعد از تصویب قانون ۳۶ ساعت کار در هفته و یا ۴ روز کار در هفته برای زنان سرپرست خانوار و یا زنان دارای کودک و یا زنان دارای شوهران معلول و یا زنان دارای فرزند معلول، که در کارخانه‌ها و مراکز تولیدی



کار می کنند ، مدیریت کارخانه ایران خودرو دیزل از اجرایی کردن این قانون خوداری کرده و استدلالش هم این است که هرگاه در ایران خودرو اجرایی شد در این کارخانه هم انجام خواهیم داد.

با اینکه این قانون از سوی شورای اسلامی کارخانه در حال پیگیری است متأسفانه تاکنون نتیجه ای گرفته نشده است.

۲- به تازه گی فرم هایی از سوی حراست شرکت ایران خودرو دیزل میان روسا، مدیران، کارشناسان ارشد و سپس میان کارگران توزیع خواهد شد که در این فرم خواسته شده است که کلیه مسافرت های خارجی خود را به کشور مقصد و تعداد روز اقامت ، و دیدار با چه کسانی و نام همراهان را قید کنند.

این فرم که در حقیقت یک بازجویی تمام عیار است نقض حقوق شهروندی و قانون اساسی کشور می باشد و هیچگونه توجیه قانونی نداشته و ندارد.

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه زامیاد:



امروز در شرکت زامیاد یکی از پرسنل زامیاد بنام مصطفی ... اقدام به خودسوزی در مقابل اتاق مدیر عامل کرد .که با دخالت حراست شرکت موفق نشد. ایشان هم اکنون در بیمارستان بدلیل عارضه شدید قلبی بستری میباشد. این عمل در اعتراض به بی توجهی مدیریت زامیاد، آقای حمیدی است که بعد از چندین بار جلسه کارگران و مدیریت زامیاد و عدم توجه به خواسته پرسنل

زامیاد صورت گرفته. خواسته ایشان و همه پرسنل زامیاد دریافت حقوقی برابر با سایر خودرو سازیها بخصوص سایپا است.

بدلیل آنکه زامیاد زیر گروه خودرو سازی سایپا بوده ولی حقوق و مزایای زامیاد نصف سایپا است

### گزارشی از پاداش مدیران خودرو سازی ها:

هاشم یکه زارع مدیرعامل ایران خودرو در گفتگویی اعلام کرده است که پاداش مدیران در پایان سال یک شصتم سود کارخانه هاست.

ما از مدیران خودرو سازی ها می پرسیم که خودروهای معیوب که به دلیل قطعات وارد شده غیراستاندارد از خارج بر روی خودروها بسته می شوند و شرکت هایی که شماها با رانت تاسیس کرده اید و هیات مدیره هایش از اعضای خانواده و دوستانتان می باشند چرا باید سود یک شصتم بگیرند؟! آیا این پاداش به دلیل تولید خودروهای معیوب است که به شما می دهند؟!

مدیران خودرو سازی بارها از عدم بهره وری مناسب کارگران شکایت می کنند، آیا واردات قطعات معیوب توسط شرکت های این آقایان و تأییدش از سو مدیران عامل و هیات مدیره ها دزدی نیست؟

### گزارشی از پاداش در خودرو سازی ها

با فرا رسیدن پایان سال بحث پاداش مدیران در کارخانه های سایپا، ایران خودرو، مدیران خودرو، ایران خودرو دیزل، مگاموتور، پارس خودرو ... به بحث روزمره تبدیل شده است.

مدیران خودرو سازی ها از جمله هاشم یکه زارع مدیرعامل ایران خودرو سهم پاداش مدیران را 'یک شصتم' سود هر شرکت می داند.

مدیران عامل خودرو سازی ها در سال گذشته با دریافت پاداش های میلیاردی ، سفرهای اروپایی به همراه خانواده با تخصیص کلیه هزینه های این سفرها توسط شرکت و تحمیل هزینه این سفرهای ۲۰ روزه به دوش کارگران کارخانه ها را دریافت کرده اند. این هزینه های میلیاردی با چه توجیهی انجام می شود؟؟

فقط در یک شرکت خودرو سازی پاداش مدیران در سال گذشته بیش از ۲۰ میلیارد تومان و هزینه سفر به خارج به همراه خانواده هایشان ۱۰ میلیارد تومان هزینه در برداشته است. این در حالی است که همین مدیران برای پرداخت رکورد، پاداش و افزایش حقوق کارگران ، زیاد بودن هزینه های شرکت را دلیل می آورند.

**کارگران می پرسند چرا به پاداش و حقوق این مدیران رسیدگی نمی شود؟**

**گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات رانندگان فرودگاهی:**



۱- در مورخ شنبه ۲۱ اسفند رانندگان تویوتای فرودگاه امام که اکثرا متعلق به شرکت سیروسفر بودند در ورودی دپو تاکسیها دست به تجمع زده و از دریافت نوبت خوداری نمودند. علت این حرکت، بی نظمی و وجود مسافركشهای شخصی و استارتاب ها می باشد که باتوجه به تعداد محدود مسافر

باعث گردیده تا توقف هر خودرو جهت مسافرگیری حدود ۱۵ ساعت گردد که در نتیجه باعث عقب افتادن اقساط و معیشت رانندگان فرودگاهی گردد. علیرغم اینکه در بام و دو هوایی سیستم مدیریتی حاکم بر شرکت سیر و سفر که با پلاک ع مشغول به فعالیت میباشد با ریزنیهای خاص خود و دریافت وام برای رانندگان با بهره زیر ۱۰ درصد اقدام نموده تا بتواند رانندگان را راغب کند خودروهای سمند را تعویض و به خودروهای یورو ۵ درخواستی مدیریت فرودگاه حضرت امام ارتقا دهد.

حال ببینید رانندگان تاکسی با پلاک ت که در حقیقت آنها باید به فرودگاهی تهران سرویس دهند که با مدیریت غیرکارشناسی شده سازمان عریض و طویل نظارت بر تاکسیرانی تهران زیر مجموعه شهرداری تهران که با لیزینگ بالای ۲۲ درصدی و پول پیش انجمنی مجبور به تعویض خودروهای خود میشوند چه میکشند؟

حدود ۱۸ ماه پیش از هر راننده مستقر در فرودگاه مبلغ ۲۵۰ هزار تومان گرفتند که مثلا هوشمند سازی کنند که تا کنون خبری نیست و در مقابل مبلغ بالای ۴۰۰ میلیون دریافتی که به هیچ وجه به رانندگانی که همواره نسبت به پرداخت کمیسیون خود اقدام می نمودند مربوط نبود.

القصد با ورود پرسنل محترم نیروی انتظامی ، حراست و مدیریت بزرگوار فرودگاه و دادن وعده های توخالی، که پیگیری خواهند کرد موضوع فیصله داده شده ۰ تا پرده بعد خداوند منان یارو یاورتان باد

## ۲- گزارشی دیگر از مشکلات رانندگان فرودگاه:

چند ماهی است که به دلیل ارجحیت دادن به ماشین های خارجی، رانندگان خودروهای سمند برای گرفتن یک سرویس بیش از ۳۰ ساعت در فرودگاه توقف دارند. مافیای واردات خودرو برای تحمیل خواسته های خود به رانندگان از هر شیوه ای استفاده می کند.

باند بازی های مافیایی حکایت از ورود ۵ هزار خودروی هیوندای از سوی یکی از مدیران شهرداری به توسط شرکت پاک رو است. این خودروی گران قیمت که به زور به رانندگان تاکسی فروخته می شود با اقساط ۳ میلیون تومانی و برای هر سرویس ۷۰ الی ۸۰ هزار تومان کمیسیون و با خرج ماهانه ۲ تا ۳ میلیون به راننده تحمیل خواهد شد. این در صورتی است که درآمد ماهانه یک راننده تاکسی باید بیش از ۸ میلیون تومان با ساعت کاری روزانه ۱۵ ساعته باشد. ۹۰ میلیون وام از بانک انصار برای رانندگان بینوا برای این خودرو گرفته خواهد شد که تاکنون راننده های تهرانی از گرفتن این خودروها خودداری کرده اند. تلاش شرکت پاک رو برای تحمیل این خودروها به رانندگان شهرستانی ادامه دارد. متأسفانه تاکسیرانی و شرکت تعاونی رانندگان با هر گونه تشکیلاتی که بخواهد مستقل باشد و زیر پرچم این آقایان نباشد مخالف بوده و اجازه حتا تشکیل شورای اسلامی را هم به رانندگان نمی دهند. متأسفانه اختلافات تاکسیرانی با شرکت تعاونی و این دو نهاد با فرودگاه باعث بریده شدن نان رانندگان خودروهای سمند و آریو شده است.

### ۳- عبادت به جز خدمت خلق نیست !

با خیر شدیم میثم مظفر مدیرعامل سازمان تاکسیرانی برای حضور در شورای شهر تهران نام نویسی کرده است.

ایشان در مصاحبه ای که با مجله همشهری تاکسی کرده است ، می گوید: «... دفاع تمام قد سازمان تاکسیرانی از حریم شغلی تاکسیرانان...» نمی دانیم زمانی که چنین جمله ای را به زبان می آورد شرمسار وجدان خود بود یانه؟؟ چون در همین یکماه اخیر یعنی در ۱۳ اسفند رضا رضایی فرد راننده تاکسی فرودگاه به دلیل فشار روحی روانی و استرس های کاری، و همچنین به دلیل ضعیف شدن پیش از اندازه رزق و روزیشان و نرسیدن اوژانس و همکاری نکردن اوژانس فرودگاه فوت نمود. این بخشی از مدیریت ایشان است.

اگر تمام قد اینگونه تاکسیرانان را حمایت کرده ، دیگر احتیاجی نیست از بی لیاقتی های ایشان سخنی بگوییم



### گزارش خبرنگار پیام سندیکا از فروش خودروهای هیبریدی در تاکسیرانی:

یکی از خدمات!!!! سازمان تاکسیرانی تهران و آگذاری تویوتا پریوس با قیمت ۱۵۵ میلیون تومان با وام ۱۸ درصدی با پیش پرداخت ۴۰ میلیونی و قسط ماهانه ۲/۶۴۵/۰۰۰ تومان است.

این خودروها که از دبی به مقصد ایران وارد شده است اگر قرار باشد به صورت عمده در تعداد بالا خریداری بشود قیمتی برابر ۴۰ الی ۴۵ میلیون تومان دارند. یعنی شرکت وارد کننده که با هیات مدیره و مدیرعامل به توافق قیمت ۱۵۵ میلیونی رسیده اند ۱۱۰ میلیون به جیب زده اند. یعنی هر راننده ای که برای تعویض خودرو می رود ۱۱۰ میلیون اجحاف را باید از این آقایان پذیرا باشند.

راستی چرا تاکسیرانی از خودرو ملی استفاده نکرده و به قول مدیرعامل ۲۰۰۰ تاکسی ان هم در سال مقاومت اقتصادی وارد کشور کرده اند؟ مدیرعامل تاکسیرانی چه اصراری دارد تا حتمن تاکسیرانان از این خودرو استفاده کنند؟ مگر چیزی به جیب ایشان می رود؟ جالب این جاست که با این همه اجحاف آپشن های این خودرو را از روی ماشین باز کرده اند.

این همه خوبی و مدیریت یورو ۵ از سازمان تاکسیرانی و مدیرعاملش عجیب نیست؟ مدیرعاملی که راننده برای دیدارش باید ۴ ماه پشت در بماند.

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از تاکسیرانی تهران:

تاکسیرانی از رانندگان خودروهای فرسوده فرودگاه خواسته است، خودروهای هیبریدی با قیمت ۱۵۵ میلیون تومانی بخرند. فارغ از اینکه چه کلاه گشادی در خرید و فروش سر رانندگان گذاشته شده است و سود ۱۱۰ میلیونی هر خودرو به جیب رانت خوران با کمک تاکسیرانی می‌رود به کنار.

کافی است نگاهی به قسط ۲/۶۴۵/۰۰۰ ماهانه این خودروها و کارکرد یک راننده بیاندازیم. برای این قسط باید بیش از ۳ میلیون ماهانه شارژ، کمیسیون، بنزین، لاستیک، روغن و سایر هزینه‌ها را اضافه کرد. اگر قرار باشد شما ۱۵۵ میلیون سرمایه‌گذاری کنی و خودت هم کار کنی باید ماهانه ۳ میلیون هم برای خودت کنار بگذاری که تازه کمتر از خط فقر ۴/۵ میلیون تومانی است. یعنی با این حساب باید یک راننده درآمدی معادل ۸/۶۴۵/۰۰۰ میلیون تومان ماهانه داشته باشد. یعنی روزانه هر راننده باید ۲۸۸ هزار تومان کار کند. حال ببینیم چه اتفاق خواهد افتاد.

با توجه به اینکه در حال حاضر هر ۸ الی ۶ ساعت یک سرویس به رانندگان فرودگاه تعلق می‌گیرد باید این بندگان خدا برای تامین این هزینه‌ها ۲۴ ساعته سرکار باشند.

این یکی از شاهکارهای تاکسیرانی و مدیرعامل سخت‌کوش برای جیب خود است. با این دسته گل آقایان رانندگان فرودگاه مدت‌هاست ماشین خواب شده‌اند. تنها چاره رانندگان تاکسی از این مافیای بازی ایجاد اتحادیه تاکسیرانان توسط رانندگان زحمتکش فرودگاه است.

برای تماس با نشریه پیام سندیکا با لینک گروه تلگرامی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران:

zQ ۶۵rXkbELm۵\_HH۲ <https://t.me/joinchat/AAAAAD>

و یا به سایت دو زبانه ما به آدرس [sfelezkar.com](http://sfelezkar.com) مراجعه کنید.

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارخانه نساجی یزد:



این کارخانه نیمه دولتی است و متعلق به یکی از خاندان آقای صدوقی بوده و در شهر یزد واقع است. در این کارخانه ۱۵۰ کارگر زن به همراه ۱۰۰ کارگر مرد کار کرده و یکی از تولیدات این کارخانه نخ فرش ماشینی است. در این کارخانه شیفت ها ۱ ساعته بوده و فقط کارگران نیم ساعت حق استراحت و خوردن غذا را دارند. کلیه محیط کارخانه توسط دوربین ها به شدت کنترل شده و کارگران به شدت زیر نظر هستند. با توجه به اینگونه کار کردن دستمزدهای پرداختی به این کارگران به هیچوجه مناسب نیست.

در هفته گذشته یکی از مدیران برای بازدیدی به محل کارخانه آمده و از بودن این همه زنان کارگر اعلام نارضایتی کرد. ایشان اعلام کردند که کارگر زن به درد نمی خورد چرا که فردا می روند ازدواج می کنند و یا باردار می شوند و خط تولید را به خاطر مرخصی ازدواج و زنان باردار هم به دلیل مرخصی زایمان با رکود روبرو می کنند. ایشان به مدیر کارگزینی دستور اخراج زنان حامله و کسانی که دوران مرخصی پس از زایمان را می گذرانند، را داد که همگی در همین لحظه اخراج شدند.

از زنان کارگر متاهل تعهد گرفته شد که حق حامله شدن را ندارند وگرنه اخراج خواهند شد و همچنین از دختران مجرد هم تعهد گرفته شد که حق ازدواج ندارند و در صورت ازدواج به هیچوجه حق حامله شدن را نداشته وگرنه اخراج خواهند شد.



در این کارخانه هوا به شدت به پرز نخ آلوده است هیچگونه ماسکی به کارگران داده نمی شود و خود باید تهیه کنند. از دستکش، لباس کار، کفش کار، شیر ..... خبری نیست و خود کارگران در صورت لزوم باید تهیه کنند.

متأسفانه خیانت بازرسان وزارت کار در این کارخانه بسیار مشهود است که چرا به این گونه اجحافات رسیدگی نه تنها نمی کنند بلکه چشم بر روی این ظلم می بندند.

### گزارش خبرنگار پیام سندیکا از اعتصاب ایران قوطی:



از صبح امروز کارگران به دلیل بدعهدی کارفرما درهای کارخانه را بسته و فقط اجازه خارج کردن بار از کارخانه را می دهند.

کارخانه تولیدی شرکت ایران قوطی در شهرک صنعتی البرز واقع در کیلومتر ۱۰ اتوبان قزوین-زنجان قرار دارد و با تعداد ۲۵۰ نفر پرسنل که ۱۲ نفر آن را زنان تشکیل میدهند مشغول به کار است.

کارگران که نسبت به پرداخت حقوق های عقب افتاده خود معترض هستند.

۱- این شرکت از خرداد امسال حقوق پرسنل خود را پرداخت نکرده است. این روال عقب افتادگی پرداخت حقوق و مزایا تا سال گذشته دو ماهه بوده که

متأسفانه امسال به پنج ماه افزایش یافته است. کارفرما فقط حقوق یک ماه کارگران را بطور کامل پرداخت کرده است.

۲- بیمه تامین اجتماعی پرسنل، از اسفند ماه سال گذشته به این طرف واریز نشده است.

۳- عیدی و سنوات سالهای ۹۳ و ۹۴ کارگران پرداخت نشده است.

۴- کیفیت غذا به دلیل عدم تخصیص بودجه کافی به شدت پایین آمده است.

۵- بیمه تکمیلی از سال گذشته قطع شده است.

۶- کمک هزینه دانشجویی کارگران از سال گذشته قطع شده است.

۷- جایزه فرزندان ممتاز کارگران از سال گذشته قطع شده است.

۸- سنوات کارگران رسمی بازنشسته پرداخت نشده است



## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران فولاد زاگرس



شرکت فولاد زاگرس در اسفند ۹۳ منحل اعلام شد. این واحد صنعتی در شهرستان قروه بیشتر از ۴۰۰ کارگر داشت. این کارگران پس از تعطیلی شرکت فولاد زاگرس به سوی سازمان تامین اجتماعی رفتند که بدون پذیرش آنان رانده شدند. کارگران بیکار شده برای معیشت خود و خانواده‌شان هر کدام به سویی کشیده شدند و منتظر شدند تا که اقدامی جهت به کار افتادن کارخانه انجام شود ولی خبری نشد که نشد. از جمله کارهایی که کارگران بیکار به آن تن داده اند دست فروشی است. شغل کاذبی که نه امنیت شغلی دارد و نه اعتبار اجتماعی. آنان که امکانش را داشته اند به مهاجرت رفتند، به خصوص به تهران و بیشتر در میدان های تره بار به کار مشغول گردیده اند. تمامی کارگران بیکار شده، بیکاری خود را از چشم دولت می‌بینند. آنان خواستار کار در شهر و شهرستان خویش هستند. آنان معتقدند بیکاری حق آنها نیست، و با توجه به اینکه در کارخانه ای بزرگ کار می کرده اند، چرا باید به روزهای بهتر نتوانند فکر کنند، و هر روز به تنگ‌های این چینی دچار گردند.

سوال این است چرا دولت توسعه پایدار را رها کرده و به ورشکستگی و تعطیلی کارخانه های بزرگ یاری می‌رساند و در کنار آن به زندگی هزاران نفر به دیده افراد اضافی نگاه می‌کند. و آن‌ها را پراکنده کرده و به کارهایی بدون آینده سوق می‌دهد.

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات روزنامه فروشی های تهران



روزنامه فروش ها قبل از کودتای ۲۸ مرداد دارای اتحادیه بودند و پس از کودتا هم در سال ۱۳۳۵ با تلاشی دوباره اتحادیه خود را سامان دادند. در حال حاضر ۱۲۶۰ دکه روزنامه فروشی در تهران فعالیت می کنند که هر دکه گاهی تا ۳ خانواده را تامین می کند. از سال ۱۳۶۹ سازمان انتقال مشاغل مزاحم توسط شهرداری تاسیس شد که به مبارزه با حیوانات موذی و انتقال کارخانه های آلاینده از تهران به خارج از شهر فعالیت می کرد. این سازمان در سال ۱۳۷۲ با تغییر سیاست کاریش به شرکت ساماندهی مشاغل تغییر کاربری اداری داد. این تغییر بیشتر برای درآمد زایی برای شهرداری بود. که با موضوع متحدالشکل کردن دکه های روزنامه فروشی و زیباسازی شهر آغاز به کار کرد که با پول دکه داران تجهیز شده بود. این سیاست در سال ۷۵ منجر به افزایش ۶۳۰ درصدی کرایه های دکه داران شد. امروزه بسته به قرار داشتن محل دکه از ۶ میلیون تا ۱۳ میلیون مالیات به آنها تعلق می گیرد. از ۱۲۶۰ دکه روزنامه فروشی به جز ۲۰۰ دکه مابقی در معاش خود معطل مانده اند و این مالیات پول زوری است که از این زحمتکشان گرفته می شود. زحمتکشانی که نه بیمه دارند نه بازنشستگی و شهرداری هم هیچگونه اعتنایی به این موضوع ندارد. از چندی پیش هم به دکه داران ابلاغ شده که حق فروش سیگار و فندک را ندارند و این در حالی است که بیشتر فروش یک دکه نه از فروش روزنامه هایی که ۸۰ درصدشان نخوانده مرجوع می شوند، بلکه از فروش سیگار و تنقلات است.

کارشناسان سندیکایی معتقد هستند که این ابلاغیه برای فشار به دکه داران برای دادن مالیات و کرایه بیشتر است.



## جنبش کارگری: گفتگو، نامه نگاری و.....

در جامعه ما هستند افراد و شخصیت هایی که به انحاء مختلف دست به اعتراض می زنند. این اعتراضات در واقع در جامعه پر از تضاد سر باز ایستادن ندارد، و هر از گاهی از نقطه ای سر بر می آورد. از جمله همیشه معترضین، یکی هم جنبش کارگری است. دیده می شود که به انحاء مختلف این جنبش خود را نشان می دهد. جنبش اضافه دستمزد از این موارد است، که در حال حاضر خود را به شکل های مختلف نشان می دهد، از جمله: گفت و گو، نامه نگاری، تحصن، اعتصاب، اعتراض، تظاهرات و ... حال برای افزایش دستمزد از گفتگو شروع شده است. در این گفتگوها برای کارگران نماینده ای که مورد اعتماد وزارت کار و خانه کارگر است، به این گفتگوها دعوت می شوند.

مشکل اصلی کارگران معیشت آنان است. آنقدر این مشکل فشار آورده است که می توان گفت به این حداقل راضی هستند و به دیگر خواسته های گسترده خود فکر هم نمی کنند. زندگی برای زحمتکشان و مزد بگیران بسیار سخت و مشکل گشته در نتیجه به تنها چیزی که می اندیشند این حداقل معیشت است. ما وقتی به نامه یکی از بازنشستگان (نبی معروفی) نگاه می کنیم، می بینیم که کارگر برای رفع نیازهای اولیه خود دست به نامه نگاری برده است. مروری کنیم به این نامه که در خبرگزاری ایلنا نیز درج شده است:

« ۸۲ ساله هستم. بازنشسته هستم. حقوقم ۹۰۰ هزار تومان است که با کسر بیمه و سایر چیزها ۸۴۰ تومان دستم را می گیرد. خانواده ۳ نفری را باید

خرجش را بدهم. ۱۷ درصد کرایه خانه ام زیاد شده است. یک بچه مدرسه رو دارم و باید با ۸۴۰ هزار تومان سر کنم. اگر سرما بخوریم وای به حالمان. اگر بخوایم یک آزمایش کامل دکتر برایمان بنویسد تنمان می لرزد. اگر بخوایم بستری شویم آن موقع باید گونی پول پیشمان باشد. میوه که حقی نداریم اسمش را بیاوریم و اگر از جلوی میوه فروشی رد می شویم باید مسیر را عوض کنیم که چشمان به میوه نخورد. موضوع پوشاک گفتنی نیست»

معلوم شد که این حداقل های اولیه زنده ماندن هستند: « در آمد، ۸۴۰ هزار تومان» یعنی تقاضای افزایش حقوق را دارد. « خانواده ای سه نفره دارد « یعنی تقاضای دستمزدی برای اداره شدن معیشت یک خانواده سه نفره را دارد. « ۱۷ درصد کرایه خانه اش اضافه شده.» یعنی تقاضای رفع مشکل مسکن کارگران را از طریق بودجه دولتی دارد. « بچه مدرسه رو دارم « یعنی تقاضای آموزش و پرورش مجانی را دارد. « اگر سرما بخوریم وای به حالمان « یعنی تقاضای بهداشت و درمان رایگان را دارد. موارد تقاضا شده از حقوق اولیه انسانی است و باید در هر اجتماع انسانی، و هر جامعه ی عصر جدید، برآورده شود. در انتها تقاضا دارد که:

« من خیلی خوشبخت هستم که ماهیانه ۸۰۰ هزار خورده ای در آمد مرتب دارم این وضع منست آن خانواده هایی که سه یا چهار ماه حقوقشان عقب افتاده و معلوم نیست پرداخت شود یا نه چه می کنند؟؟ کارگران بیکار که حسابشان پاک است چی می پوشند؟ چی می خورند؟ خدا می داند !!»

این اعتراضات زمانی ثمربخش خواهد بود که کارگران و مزدبگیران به سندیکاهای کارگری پیوسته و متحدانه این تقاضاها را پیگیری و اجرایی نمایند.

## شباهنگ کارگر فلزکار

## منطق مبارزه طبقاتی، کسی را گریزی نیست!

اتحادیه‌ها و سندیکاها تشکیلاتی هستند که کارگران در چهارچوب آن‌ها مطالباتشان را مشخص می‌کنند، و قدرت تحقق‌شان را پیدا می‌کنند. این مطالبات ریشه در میان کارگران دارند و به همین خاطر با حذف یا سرکوب تشکل‌ها و تصفیه افرادشان، کسی نمی‌تواند مطالبات کارگران را همراه با آن‌ها از بین ببرد. کما این که سرکوب مطالبات کارگران و تشکل‌های سندیکایی و پیمال‌سازی حقوق کارگران طی بیش از سه دهه موجب از میان رفتن مطالبات نشده و حتی کار به جایی رسیده که بخشی از اعضای تشکل‌های وابسته نیز پس از مدتی خواستار متحقق نمودن مطالبات معوقه می‌شوند. این منطق مبارزه طبقاتی است و کسی را از آن گریزی نیست.

بنا به گزارش خیرگزاری "ایلنا" حسین حبیبی، دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار، در هفته گذشته با ارسال نامه سرگشاده‌ای به علی ربیعی وزیر کار، خواستار تحقق بخشی از مطالبات "برزمین مانده" کارگران شد. حبیبی در این نامه سرگشاده، خواهان پس گرفتن "لایحه اصلاح قانون کار در مجلس شورای اسلامی، توقف فوری توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، به رسمیت شناختن قراردادهای استخدامی دائم برای کارگران دارای مشاغل مستمر، به دور نگه داشتن اموال سازمان تامین اجتماعی از هرگونه دخل و تصرف، پایان دادن به برخوردهای امنیتی و قضایی با فعالیتهای صنفی کارگری و به رسمیت شناختن استقلال کارگران در تشکیل نهاد صنفی، به عنوان ۶ مطالبه صنفی، شده است" که "در خاتمه سال ۹۵ برای کارگران تحقق نشده باقیمانده اند".

این ۶ خواسته‌ای که حسین حبیبی از وزیر کار خواستار تحقق‌شان شده، جزء بخشی از مطالبات عاجل کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری اند که تشکل‌های مذکور سال‌ها برای تحقق‌شان تلاش و مبارزه کرده و هزینه پرداخته‌اند. وزیر کار نیز در آغاز دوران وزارتش وعده انجام بعضی از آن‌ها را داده بود، اما در عمل از انجام این مطالبات سرباز زد. دوستان حبیبی در "خانه کارگر" هم به دلیل مناسبات حسنه و برادرانه‌ای که با ربیعی داشتند به رغم تشدید فشارها به کارگران در دوران وزارت ربیعی و امتناع وی از انجام وعده‌هایی که داده بود، تا کنون از او حمایت کرده‌اند. هم اکنون نیز به نظر نمی‌رسد که تشکیلات خانه کارگر با انتشار این نامه سرگشاده که بوی مخالفت با عملکرد وزیر کار از آن به مشام می‌رسد و بیانگر شکاف در درون شوراهای اسلامی است، حمایت کنند. علاوه بر آن مسئولان حرفه‌ای و نانخور خانه کارگر نیز برحسب موقعیتی که دارند نمی‌توانند، از همه درخواست‌هایی که در این نامه آمده حمایت کنند، چرا که تنها اجرای "پایان دادن به برخوردهای امنیتی و قضایی با فعالیتهای صنفی کارگری و به رسمیت شناختن استقلال کارگران در تشکیل نهاد صنفی" دودمان خود خانه کارگر را که یک تشکل وابسته است و وسیله اعمال نفوذ ربیعی و دولت است، بر باد می‌دهد. ربیعی

هم به تنهایی نه قدرت متحقق کردن این خواسته ها را دارد و نه بر حسب وظیفه‌ای که پذیرفته و آگاهانه هم پذیرفته به صورت داوطلبانه آن ها را متحقق خواهد کرد. گویا حسین حبیبی و آن بخش از بدنه شوراهای اسلامی که در پشت انتشار این نامه قرار دارند، خودشان جریان را می دانند. قبل از انتشار این نامه و تصویب میزان افزایش دستمزد در پشت صحنه کوشش کرده بودند، همین خواست ها را پیش ببرند، ولی ناکام مانده‌اند. گفته می شود حتی قرار بوده که ایشان و دوستانشان در روزی که قرار بوده مقدار افزایش دستمزد رسماً اعلام شود، در اعتراض به مامشات نمایندگان شوراهای اسلامی با دولت و کارفرمایان تجمع اعتراضی برپا کنند، که ظاهراً جلوی آن ها را گرفته‌اند. نامه سرگشاده حسین حبیبی را هم "اینا" چند روز بعد از انتشارش در خبرگزاری "مهر" منتشر کرد.

فارغ از کم و کیف این قضایا، با وجود مخالفت وزیر کار و همدستانش در خانه کارگر با محتوای این نامه امکان چندانی برای پیشبرد مطالبات مورد درخواست حسین حبیبی و دوستانش در خانه کارگر وجود ندارد و این تشکل به دلیل وابستگی رهبرانش به دولت نه تنها آنها را همراهی نخواهد کرد، بلکه ممکن است، آنها را بخاطر نوشتن چنین نامه‌ای توبیخ یا تصفیه کند. ولی مادامی که آن ها به مطالبات مذکور پایبند بمانند و حاضر شوند برای متحقق کردن آن ها تلاش کنند، منطقاً تشکل های مستقل و عموم کارگران نیز آن ها را همراهی خواهند کرد. در هر حال مطالبات کارگران توسط تشکل ها اختراع نمی شوند. این مطالبات بیانگر نیازهای کارگران در یک برهه زمانی معین اند. اتحادیه ها و سندیکاها تشکیلاتی هستند که کارگران در چهار چوب آن ها مطالباتشان را مشخص می کنند، و قدرت تحقق شان را پیدا می کنند. این مطالبات ریشه در میان کارگران دارند و به همین خاطر با حذف یا سرکوب تشکل ها و تصفیه افرادشان، کسی نمی تواند مطالبات کارگران را همراه با آن ها از بین ببرد. کما این که سرکوب مطالبات کارگران و تشکل های سندیکایی و پایمال سازی حقوق کارگران طی بیش از سه دهه موجب از میان رفتن مطالبات نشده و حتی کار به جایی رسیده که بخشی از اعضای تشکل های وابسته نیز پس از مدتی خواستار متحقق نمودن مطالبات معوقه می شوند. این منطق مبارزه طبقاتی است و کسی را از آن گریزی نیست.

**اسداله صادقی دبیر سابق سندیکای کارگران  
فلزکارمکانیک ایران**



## شورای شهر و وظیفه کارگران سندیکایی



در میان سازمان های مردم نهاد ، شورای شهر و شورای محلات از اهمیت ویژه ای در ارتباط با مشکلات مردم محله و یا شهر برخوردار هستند. در حقیقت برای مبارزان راه بهبودی انسان ها ، شورای شهر اولین قدم برای ایجاد تغییر پیرامونی می باشد. در شوراهاست که مبارزان راه بهبودی انسان ها نشان می دهند جنس تفکر و عملکردشان چقدر با هم مطابقت دارد. در این نهادهاست که مردم با اینگونه مبارزان آشنا شده و با عملکرد درست یا غلط شان آنان را قضاوت خواهند کرد.

برای هر تفکر و مبارزی شوراها می تواند نمایشگری باشد بر تعهدات، آرمان خواهی و یا شکست و آشکار شدن آنچه در کنه انسانها قرار دارد. آیا با پول فریفته می شود؟ آیا از ترس ابزار دست مافیای خواهد شد؟ آیا شهرت و قدرت او را با خود خواهد برد و به وعده هایش پشت پا خواهد زد؟

آنچه برای تلاشگران اجتماعی مهم است این موضوع است که چقدر می توانند از این جایگاه به مردم خدمت رسانی کنند؟

در محله های کارگری موضوع جمع آوری زباله، راه آب ها، اسفالت کوچه ها، روشنایی شهر یا محله، فضای سبز، مرکز خرید، الودگی هوا و محیط زیست از موضوعات و مشکلات اولیه هستند.

در یک نمونه گزارش شده از محلات کارگری و فقیر نشین مانند امام زاده یحیا که در جنب مراکز مالی قدرتمندی چون ظهیرالاسلام مرکز فروش لوازم خانگی و مقر مافیای این صنعت و بازار تهران، بزرگترین و مهمترین مرکز مالی ایران قرار دارد، مشکلات سر به آسمان می زند.

افراد خیر بسیاری در روزهای هفته و بخصوص چهارشنبه شب ها به اسیب دیده گان اجتماعی از جمله کارتن خواب ها غذا و پوشاک می رسانند. خیرین مذهبی لباس، غذا و یا کمک های مالی به سمن های مستقر در این محله می کنند. اما هیچکدام از خود نمی پرسند که این محله حمام دارد؟ که این کارتن خواب، معتاد، کارگرجنسی، کودک کار، زنان خودسرپرست و بی سرپرست و بد سرپرست خود را بشوید؟ و از شر پلیدی های جسمی که او را بیمار کرده و یا عذاب می دهد رها شود؟

در این محله یک حمام عمومی وجود دارد که ساعتی ۵ هزار تومان برای استحمام می گیرد. اگر قرار باشد که هفته ای یک بار خانواده ای ۴ نفره از این حمام استفاده کنند باید ماهانه ۸۰ هزار تومان از درآمد خود را فقط پول آب بدهد و پول شوینده های دیگر را هنوز در محاسبه نیوده ایم. یعنی ۱۰ درصد از حقوق مصوب دولتی فقط باید صرف آب شستشو بشود. که بی شک از این امر چشم پوشی می کند و خود و خانواده اش تن به بیماری های پوستی میدهند.

کارتن خواب ها و کودکان کار و کارگران جنسی که جای خود دارد چرا که کمتر از این میزان دریافتی ماهانه اشان است و بی تردید تن به شستشو نخواهند داد. یک کارتن خواب ۲۰ هزار تومان ماهانه خرج آب شستشو باید بدهد و همین امر موجب می شود از حمام رفتن و شستشوی خود و لباس هایش خوداری کند که موجب افزایش بیماری و انتشار آن می شود.

چه کسی باید به این مشکلات رسیدگی کند؟ جز شورای محله و سازمان بالا دستی اش شورای شهر؟ شورای محله ها دارای بودجه هایی هستند که بیشتر صرف حیف و میل و کارهای تزیینی که زیبا سازی شهر به آنان دیکته می کند، می شود تا کارهای بنیادین.

موضوع بودجه شورای شهر کلان شهرهایی چون تهران که سر به آسمان می زند و هم وزن بودجه ۲۹ استان کشور است به چه مصارفی می رسد؟ بی تردید لغت و لیس ها در آن بسیار و مافیای جا گرفته در آن غدار.

چرا شورای شهر تهران به موضوعاتی چون حمام های عمومی ر ایگان و احداث رختشویخانه های فراگیر در محله های فقیر نشین نمی پردازد؟ چرا بودجه شهرداری تهران خرج کاشت نخل در عراق می شود اما خرج ریشه کنی کودک کار نه؟

می دانیم که در کشورهای سرمایه داری که همه چیز از منظر کالا و سود نگاه می شود، مافیا اجازه دیدگاههای مردمی و حمایتی از فقرا را نخواهد داد. مافیا خواهد گذاشت مبارزان بهبودخواه انسانها به این نهادها راه یابند و بی شک مبارزان راه بهبودی انسانها در میان بده بستان های شورای شهر تنها خواهند ماند. اما می توانند افشاگر فریاد رسای هموطنان که به ایشان رای داده باشند. می توانند از رای دهندگانشان بخواهند برای صیانت از آرایشان و نماینده منتخب خود با امضای طومار و یا تحصن..... پشتیبانی کنند.

رای کالایی تزئینی نیست. رای یک خواست و مبارزه طبقاتی است. اگر سازمان های سندیکایی و کارگری بتوانند نماینده های درستکار و با شرف خود را به میدان بیاورند و با سازماندهی، آرای زحمتکشان را به صندوق بریزند و نماینده ای در شورای شهر داشته باشند بی گمان قواعد بازی را برهم زده و با گزارش های مرتب خود به رای دهندگانشان زمین بازی را بر مافیا، صاف و هموار خواهند کرد.

**مازیار گیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**

۲۰ فروردین ۱۳۹۶

## انتخابات شورای شهر

مبارزه سندیکایی از موارد ریز و درشت تشکیل شده است که برای اثبات حق داشتن یک زندگی انسانی، انباشته شده است. از ورود کارگر به عرصه تولید و برآورده شدن نیازهای انسانی و در انتها رسیدن به زمان بازنشستگی با تمامی حقوق و مزایای انسان کوشا و خلاق را شامل می‌گردد.

یکی از ابزارهای رهایی طبقه کارگر مبارزات سندیکایی است. کتالی که کارگران را آموزش داده و در گروه های کوچک و بزرگ به آنان در امر رهایی سازماندهی لازم داده می‌شود. پر مسلم است در اتحاد همین سندیکاهای متنوع و کوچک و بزرگ است که مجمع کارگری قدرتمندی می‌تواند بوجود آید و در مبارزه با طبقه سرمایه دار به خواسته های بر حق خود دست پیدا کند. یکی از راههای دستیابی به حقوق انسانی، شهروندی، و حقوقی که در قانون اساسی و قانون کار و دیگر قوانین موجود در کلام قانونگذاران جاری شده و به شکلی کتبی در آمده است، پیاده کردن همین قوانین و جاری نمودن آن در اجتماع و جامعه و مهمتر از همه قرار گرفتن در جایگاه هایی که بتوان به آنان جامعه عمل ببوشانید. یکی از این راهها ورود به انتخابات شوراهای شهر و روستا است. برای دستیابی به حقوق کارگری، انتخابات شوراهای شهر یک عرصه مبارزه می باشد.

من از وضعیت موجود ناراضی هستم و امثال من هزاران نفر می باشند که وضعیت موجود را برای خود طاقت فرسا و سخت می دانند. این وضعیت موجود، از طرف سرمایه داری، به هر شکلی که خودش می‌خواهد توجیه می‌شود، که برای من و دیگران قابل قبول نبوده و به سختی می‌توانیم تحمل کنیم.

در امرانتخابات شوراهای شهر باید بگوییم تا هنگامی که پیشروان طبقه کارگر وارد عرصه نبرد نشوند، از آن آبی گرم نمی‌شود که دلگرم کننده باشد ولی برای تغییر توازن قوا در این شرایط و به کارگیری ابزاری از ابزارهای حاکمیت سرمایه داری، ورود به انتخابات قابل توجیه است. چرا که از هر روزنه ای باید نفوذ کرد و فریاد حق خواهی را به شکلی علنی و از تریبون حاکمیت سرداد. درباره شکل شرکت در شوراهای شهر پر مسلم است که باید در آن با توجه به شرایط موجود باید اتحادی را با دیگر نیروهای هم خانواده خود، و نیروهای مردمی تشکیل داد تا شانس ورود به این عرصه مبارزه را مهیا کرده باشیم.

سازماندهی رای طبقه کارگر و همگام کردن زحمتکشان برای ریختن آرایشان به سود رفقای کارگیشان امری است حیاتی. شباهنگ کارگر فلزکار

## کاظم عاشقی نین خاطره لری

اوایل انقلاب یک عده از بچه های ناآگاه خطاهایی کردند که خودشان هم بعدها خیلی پشیمان شدند. بدون اطلاع باعث شدند. (یاشدا یاندی قورو اوودنا). یک عده چهره عوض کردند رفتند جلو، یک عده فدا شدند و دربرد یک عده هم نابود شدند. مثلن دولت وقت می آمد از محل برای کسی تحقیق کند. بعضی ها که هنوز هم در بین مردم محبوبیت دارند حقیقت را گفتند بعضی ها ندانسته دوستان و بچه محله خودشان را به موج زدند اونهم چه موجی. حالا دولت جمهوری اسلامی حاضر است حتی به بعضی پرونده ها رسیدگی کند اما ... نوش دارو بعد از .... بلال هم یکی از آنها بود که انداخته شد به امواج.

وقتی مادر بلال وسایلش را حاضر کرده بود برود در یکی از مدارس درس بگوید، خبر آمد بلال پاک سازی شده. کسی که از اول مومن باشد در خانواده مومن دنیا بیاید، زمان شاه اذان بگوید، حالا در کشور اسلامی بگویند تو کافری آیا میتوان تحمل کرد؟! بلال هم نمی توانست حرفش را به بزرگان کشور بگوید که بابا من بیگناهم .

شما بجای او بودید چه میکردید؟ بلال یک جلد کتاب نخوانده، شده بود سیاسی. خدا انصاف دهد به کسانی که امثال بلال را بیگناه سرگردان کردند. بلال دیوانه وار دادش را بجایی نتوانست برساند. آمد کارگری و چاه کندن و ... بعد اسم بلال درآمد که بیا سرباز برو. او هم میگفت زمانی که خیانت کارم، کافر خودکار را بدستم ندادید، حال تفنگ می دهید. سربازی نرفت و فراری شد. اون زمان هم جنگ بود جرمش بدتر شد بلال هم دربرد شد و آواره اینجا اونجا. (بو باغ دامی او باغ دامی) شما فکر بکنید در یک درخت یک سیب باشی ۱۰۰ تا بهت سنگ پرت کنند آیا یکی نمی خورد؟

سرنوشت ورزشکار بزرگ شهرمان که خیلی ها میدانند. اگر بلال الان زنده بود در تیمهای اروپایی بازی میکرد. چون فراری شد روز بروز اعصابش خراب شد. هر قرصی شربتگی گیرش آمد خورد دیوانه شد. دو بار هم عمل جراحی شد. یکبار هم از شانس بد قیچی در شکمش مانده بود. چند بار تصادف کرد پایش شکست. آخر هم مریض شد از دنیا رفت.

اگر او آموزگار شده بود آیا چنین سرنوشتی پیدا می کرد؟ بی تردید مانند بسیاری از انسان های شهر عجب شیر می توانست ورزشکاران و شاگردان خوبی تربیت کند. حیف و صد حیف که چگونه انسانها را از مدار انسانیت خارج کردند.

## جشن اول ماه مه ۱۳۲۵ به روایت پرفسور پرواند آبراهامیان

هفت صبح آن روز کارگران کارخانه‌های بزرگ تهران، اکثرن از ناحیه نزدیک به میدان راه‌آهن در جنوب غرب تهران، راهپیمایی‌شان را به سمت مقر شورای متحده در میدان فردوسی (شمال تهران آن زمان) آغاز کردند. گروه‌های موسیقی، سرودهای اتحادیه‌ای را اجرا می‌کردند و بیرق‌هایی را حمل می‌نمودند با این مضامین: «کارخانه‌داران! کارگران بیدار شده‌اند» و «نان، کار، بهداشت برای همه». آنها در مقر شورای متحده به دانشجویانی پیوستند که از سمت دانشگاه تهران به آن سو راهپیمایی کرده بودند. ارگان شورای متحده (ظفر) اعلام کرد که در این جشن خیابانی حدود ۸۰ هزار نفر شرکت کرده بودند که آن را به بزرگترین اجتماع روز اول ماه می، نه فقط در ایران که در کل خاورمیانه، بدل می‌کرد. بنا به گفته گزارشگر این روزنامه خیابان‌ها پر از مردان زنان و کودکانی بود که میخک‌های سرخ به یقه‌هایشان زده بودند و به سرودهایی که خوانده می‌شد گوش فرا می‌دادند و یا مشغول تماشای نمایش‌های خیابانی و رقص‌های محلی بودند و در برخی از نقاط خود مشغول رقص و پایکوبی بودند.

از نظر دونالد ویلبر، مورخ معروف آمریکایی و مأمور مخفی CIA تأثیرگذارترین قسمت این تظاهرات، حضور کارگران خشکشویی‌ها بود. او می‌نویسد: «من مطمئنم که آنها کت و شلوارهای مشتری‌هایشان را پوشیده بودند حداقل مطمئنم که یکی از این کت شلوارها متعلق به عضوی از سفارت است.»

این جشن‌های خیابان با شعرخوانی کارگر یک کارخانه و خواندن پیام اصلی‌ترین سازمان دست چپی زنان از سوی نماینده این سازمان پایان گرفت. همچنین صدر شورای متحده از جانب‌اختگان زندان‌های رضاشاه یادی کرد و فهرستی از خواسته‌های اتحادیه را اعلام نمود. این فهرست شامل برابری دستمزد زنان و مردان، اشتغال برای بیکاران، سرپناه برای بی‌خانمان‌ها، پشتیبانی از آرمان جمهوریخواهان در اسپانیا و از همه مهمتر تقاضای تصویب قانون کار بود. این قانون کار می‌بایست هشت ساعت کار در روز را تضمین کند، اتحادیه‌های کارگری را به رسمیت بشناسد و روز اول ماه می را

به‌عنوان یک روز تعطیل عمومی بپذیرد. جشن‌های مشابهی در مراکز شهرستان‌ها و حتی شهرهای کوچکتری چون قم، کرمان، رفسنجان، ملایر، اردکان، اراک و نائین برگزار شد.

در برخی نقاط، اتحادیه‌ها تجمع‌شان را در زمین‌های فوتبال محلی برگزار کردند. در آبادان، جایی که شرکت نفت پرداخت روز تعطیل را به‌رسمیت شناخته بود، راهپیمایی سه کیلومتر طول داشت و احتمالاً به عظمت تظاهرات تهران بود. پلاکاردها به زبان‌های فارسی، عربی، ارمنی، آشوری و هندی بود که ترکیب قومی کارگران شرکت نفت را بازتاب می‌داد.

سازمان دهندگان، که برخی از آنان فعالان قدیم اعتصاب شرکت نفت ۱۳۰۸/۱۹۲۹ اردیبهشت (ماه می) بودند تقاضاهای زیر را خواستار بودند:

مسکن بهتر، تعیین حداقل دستمزد، داشتن جیره غذایی بیشتر، به‌رسمیت شناختن اتحادیه‌ها و تهیه قانون کار. براساس گزارش انگلیسی‌ها، رهبران اتحادیه‌ها اکثرن رانندگان، کمک راننده‌ها و نگهبانان تأسیسات بودند. این جشن خیابانی در آبادان و منطقه آنقدر تأثیرگذار بود که کنسول بریتانیا در اهواز گزارش داد که «دولت حقیقی ایالت در دست‌های حزب توده است». ضمناً یک سرهنگ انگلیسی که مسؤول امنیت منطقه نفتی بود یک هشدار خطر از لندن دریافت کرد که تظاهرات خیابانی روز اول ماه می این نکته را اثبات نموده که «حزب توده نیروی مسلط آن منطقه است» و امنیت منطقه نفتی و پالایشگاه و همچنین پرسنل انگلیسی بستگی به حسن نظر و رضایت حزب توده دارد. این گردهم‌آیی‌های توده‌ای به‌صورت فزاینده‌ای بریتانیا را هدف گرفته بود. در یکی از این میتینگ‌ها یک سخنران زن شرکت نفت را به غارت منابع کشور متهم کرده و ملی کردن فوری کل صنعت نفت را خواستار شده بود.

این احتمالاً اولین بار بود که خواست ملی شدن نفت در خیابان‌های شهرهای ایران به گوش می‌رسید.

## جشن کارگران در بهار آزادی

نخستین جشن و راهپیمایی کارگری پس از انقلاب، در روز اول ماه مه، برابر با روز سه‌شنبه، ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ با شرکت میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان در سراسر کشور برگزار شد.

زنده‌یاد **محمدعلی طبرسی**، دبیر سندیکای مستقل بافنده سوزنی، از پیشکسوتان جنبش سندیکایی در ایران و از فعالان «شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان» در دهه ۲۰ شمسی، در جریان گفتگو با نشریه «اندیشه جامعه»، در رابطه با برگزاری روز کارگر در سال‌های پیش از انقلاب چنین می‌گوید:

« جشن‌های اول ماه مه همیشه برای ما اهمیت داشت. سال‌های قبل از ۱۳۵۰، روز تولد رضاخان را روز کارگر اعلام کرده بودند. ما هرگز این روز را جشن نمی‌گرفتیم. سندیکا‌های مستقل به شکل‌های گوناگون سعی می‌کردند اول ماه مه را همراه با کارگران جهان جشن بگیرند. هر قدر هم محدودیت ایجاد می‌کردند، ما این کار را می‌کردیم. پلیس هم دایم بر سر این قضیه با ما درگیر بود تا بالاخره حکومت و ادار شد روز جهانی کارگر را به رسمیت بشناسد. بعد از انقلاب هم ما سندیکای خوبی داشتیم. چیزی حدود ۳ هزار عضو و یک تعاونی خوب که خیلی از کارگران عضو بودند، اما فشارهای گوناگونی هم بود...».

مراسم روز کارگر در تهران در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ به دعوت چندین تشکل کارگری و سیاسی و در چندین نقطه از شهر برگزار شد و از این‌رو کمیته‌های تدارکاتی گوناگونی نیز تشکیل شده بود. از جمله کمیته‌ای با نام «کمیته تدارک جشن اول ماه مه» که از کمیسیون‌های گوناگونی تشکیل شده بود، کلیه سندیکاها و شوراهای کارگری را به همکاری فرامی‌خواند.

پیام کمیته برگزاری جشن اول ماه مه در **هفته‌نامه «اتحاد»**، (سال اول، شماره ۷) به تاریخ اول اردیبهشت ۱۳۵۸ انتشار یافت.





در این پیام که با شعار «کارگران جهان متحد شوید» آغاز می‌شود، از جمله چنین می‌خوانیم: «اول ماه مه، روز تجلی قدرت متحد کارگران و زحمتکشان در مقیاس کشور و در سطح بین‌المللی است. ما کارگران موظفیم همه نیروی خود را به‌کار بریم که این روز بزرگ با اتفاق نظر کامل برگزار شود و زمینه‌ای برای وحدت صفوف کارگران باشد. با توجه به این امر مهم، ما امضاکنندگان زیر، نمایندگان سندیکاهای کارگری تهران، در یک جلسه مشورتی گرد آمدیم و کمیته‌ای برای تدارک مراسم اول ماه مه تشکیل دادیم.

به‌نظر ما مراسم اول ماه مه باید با نظر مشورتی نمایندگان همه کارگران تدارک دیده شود و لذا بدین‌وسیله به همه سندیکاهای، اتحادیه‌ها، شوراهای کارگری و به همه کارگران و زحمتکشان و همه رنجبران مراجعه کرده، تقاضا می‌کنیم نمایندگان خود را برای شرکت در کمیته تدارک، تعیین و اعزام کنند و برای اظهار نظر در تمام جوانب امر با کمیته تدارک تماس بگیرند.»

این پیام به امضای سندیکاهای تشکیل‌دهنده کمیته تدارک رسیده است. کمیته تدارک مرکب است از سندیکاهای دخانیات، تأسیسات ساختمان تهران، برق

منطقه‌ای، بافنده سوزنی، قالب‌بند، آرماتوربند و بنا، صنایع درودگران، کفاش، راه‌آهن، قندریز و شکلات‌ساز، بیمارستان تهران و اتحادیه خبازان تهران.

در این فراخوان همچنین آمده است که جلسات کمیته تدارک در محل سندیکای بافنده سوزنی، واقع در لاله‌زار نو، پاساژ صدی تشکیل خواهد شد. در گزارشی پیرامون ششمین جلسه این کمیته که به تاریخ ۴ اردیبهشت سال ۵۸ در چندین روزنامه منتشر شده بود چنین می‌خوانیم: «... بعد از ظهر دیروز برای بررسی فعالیت کمیسیون تبلیغات تشکیل شد. کمیته تدارکات که حدود دو هفته پیش متشکل از سه کمیسیون مالی، انتظامات و تبلیغات زیر نظر کمیته هماهنگی شروع به کار کرده بود، دیروز جلسه‌ای برای بررسی فعالیت‌های کمیته تبلیغات داشت. ابتدا یکی از اعضای کمیته تدارک درباره چگونگی دعوت از سایر سندیکاهای و شوراهای کارگری گزارش داد؛ سپس کمیسیون تبلیغات شعارهای پیشنهادی را که به دو بخش اقتصادی و سیاسی تقسیم می‌شد مطرح کرد. در پایان از کلیه سندیکاهای و شوراهای کارگری دعوت شد برای همکاری با کمیته تدارک در تمام ساعات روز به سالن کارگری پاساژ صدر واقع در خیابان لاله‌زار مراجعه کنند.»

کمیسیون انتظامات در هفتمین جلسه کمیته تدارک جشن اول ماه مه اعلام کرد که از هر سندیکا، بیست نفر برای برقراری نظم در روز جشن تعیین خواهند شد. همچنین کمیسیون تبلیغات نیز نتیجه مطالعات خود را در مورد تعیین شعارها و تهیه پلاکاردها، پوسترها و اعلامیه‌ها به اطلاع شرکت‌کنندگان در جلسه رساند. بنابر تصمیم کمیته تدارک برگزاری جشن اول ماه مه، قرار بر این شد که کارگران و زحمتکشان و اعضا و فعالان سندیکاهای مستقل و شوراهای کارگری کارخانجات در میدان توپخانه گردهم آیند و به سوی میدان امام حسین راه‌پیمایی کنند.

### راه‌پیمایی از میدان توپخانه

کمیته برگزارکننده جشن اول ماه مه، سندیکاهای مستقل و شوراهای کارگری کارخانجات تهران و حومه، اعضا و هواداران گروه‌های سیاسی، جوانان و دانشجویان دموکرات از ساعت هفت و سی دقیقه صبح در میدان توپخانه

اجتماع کرده بودند، راهپیمایی باشکوهی را به سمت میدان فردوسی آغاز کردند. در صف اول و در پیشاپیش جمعیت انبوه راهپیمایان، رهبران سندیکاهای کارگری و نمایندگان شوراهای کارگران دیده می‌شدند. گزارش برگزاری مراسم روز اول ماه در تهران در **هفته‌نامه «اتحاد»** (سال اول - شماره ۹) به تاریخ ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۵۸ منتشر شد.

در این گزارش از جمله چنین می‌خوانیم:

«روز سه‌شنبه، ۱۱ اردیبهشت برابر با اول ماه مه، روز جهانی کارگران بود. امسال این روز در مملکت ما در شرایطی جشن گرفته شد که خلق‌های ایران با مبارزات دلاورانه خود موفق شده بودند به‌عنوان اولین قدم در انقلاب ضداستبدادی و ضدامپریالیستی خود، رژیم منفور و وابسته پهلوی را سرنگون کنند. طبقه کارگر ایران یکی از ارکان این مبارزه بود و توانست با اعتصابات و تظاهرات شکوهمند و مقاومت قهرمانانه خود در برابر یورش دژخیمان رژیم سابق، پیروزی ملت ایران را تسریع و تضمین نماید. به‌همین مناسبت میلیون‌ها نفر در سراسر ایران این روز تاریخی را جشن گرفتند. در تهران به دعوت سازمان‌های کارگری و همچنین احزاب و سازمان‌های سیاسی، راهپیمایی‌های باشکوهی ترتیب داده شد که طی آن کارگران خواست‌های خود را مطرح کرده و بر مبارزه خود با امپریالیسم و ارتجاع و عوامل وابسته به آنان تأکید نمودند.

ساعت هفت و نیم صبح به دعوت سندیکاهای مستقل و شوراهای کارگری کارخانجات تهران و حومه، ده‌ها هزار نفر از کارگران و فرهنگیان، دانشجویان و دانش‌آموزان در میدان توپخانه اجتماع کرده و از این محل در مسیر خیابان‌های فردوسی، اسلامبول، شاه‌آباد به‌طرف میدان دروازه شمیران حرکت کردند. نماینده کنفدراسیون سراسری کارگران و زحمتکشان فرانسه نیز در این راهپیمایی شرکت داشت و به‌روی یکی از پلاکارت‌هایی که توسط کارگران حمل می‌شد، نوشته شده بود:

«زنده باد همبستگی زحمتکشان فرانسه با زحمتکشان ایران».

همچنین کارگران پلاکارت‌هایی با شعارهای زیر را در دست داشتند:

« ما خواهان افزایش دستمزد متناسب با کار و سایر نیازهای مادی و معنوی کارگران هستیم... » پیش به سوی تشکیلات واحد کارگری ایران».

کارگران و زحمتکشان در مسیر خود با استقبال بی‌نظیر هموطنان خویش مواجه بودند.

ساعت ۱۰ صبح، جمعیت به جلوی کلانتری ۹ رسید. در این موقع عده‌ای در حدود ۲۰۰ نفر سعی در تفرقه انداختن در بین صفوف کارگران و هواداران آن‌ها کردند. این عده زیر پوشش شعارهای مذهبی سعی کردند تظاهرات آرام و مسالمت‌آمیز کارگران را به هم بزنند؛ اما گروه انتظامات راه‌پیمایی با متانت کامل با این تحریکات روبرو شده و وحدت صفوف خود را حفظ نمودند».

در میدان دروازه شمیران، پس از قرائت پیام شادباش یک تن از کارگران دخانیات و یکی از کارگران ساختمانی، ژان دوران، نماینده کنفدراسیون سرتاسری کارگران و زحمتکشان فرانسه خطاب به شرکت‌کنندگان در مراسم چنین گفت:

«دوستان و رفقای عزیز!

احساسات آمیخته به خوشحالی خود را از طرف طبقه کارگر فرانسه و بخصوص (ث.ژ.ت) ابراز می‌دارم. کارگران و ترقی‌خواهان فرانسه با شور فراوان به پیروزی شما درود می‌فرستند. ما به شما تبریک می‌گوییم که با فداکاری مبارزه‌جویانه خود، با وجود اختلافی که رژیم به‌وجود آورده بود، مصممانه علیه دیکتاتوری به پا خاستید و در شکست آن موفق شدید...».

در پایان مراسم، متن قطعنامه راه‌پیمایی توسط نماینده سندیکای بافنده سوزنی قرائت شد.

خواست‌های مشخص کارگران در ارتباط با شرایط کار و زندگی آنان در متن قطعنامه به قرار زیر گنجانده شده بود:

ما خواهان تغییر قانون کار به سود کارگران هستیم.

ما خواهان مسکن مناسب برای کارگران و زحمتکشان هستیم.

ما خواهان تأمین کار برای کارگران بیکار هستیم.

ما خواهان منع بهره‌کشی از کار کودکان هستیم.

ما خواهان دستمزد مساوی در برابر کار مساوی برای زنان کارگر هستیم.

ما خواهان تأمین حق اعتصاب برای کارگران هستیم.

ما خواهان آزادی فعالیت سندیکایی هستیم.

ما خواهان شرکت کارگران در اداره امور موسسات صنعتی و کشاورزی هستیم.

ما خواهان رفع تبعیض حقوقی بین کارگران موسسات دولتی و خصوصی هستیم.

ما خواهان حمایت کامل دولت از صنایع داخلی هستیم.

ما خواهان منع ورود کالاهایی هستیم که تولید مشابه آن‌ها در داخل کشور امکان‌پذیر است.

ما خواهان جلوگیری از تعطیل موسسات تولیدی تحت هر عنوان هستیم.

«سندیکاهای کارگری برای دستمزدی که با ۸ ساعت کار بتوان یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، می کوشند.»

«سندیکاهای کارگری برای تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چندماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، می کوشند.»

«سندیکاهای کارگری برای آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان، ورزش رایگان و همگانی، طبق قانون اساسی می کوشند.» \*

سندیکاهای کارگری خواهان تغییر قانون کار به سود کارگران، مسکن مناسب برای کارگران و زحمتکشان، خواهان تأمین کار برای کارگران بیکار، خواهان منع بهره‌کشی از کار کودکان، خواهان دستمزد مساوی در برابر کار مساوی برای زنان کارگر هستیم.

سندیکاهای کارگری خواهان آزادی فعالیت سندیکایی، خواهان تأمین حق اعتصاب و راهپیمایی آزادانه برای کارگران، خواهان شرکت کارگران در اداره امور موسسات صنعتی و کشاورزی، خواهان اجرای پرداخت حقوق هماهنگ بین کارگران موسسات دولتی و خصوصی هستیم.

سندیکاهای کارگری خواهان حمایت کامل دولت از صنایع داخلی بوده و راه اندازی و نوسازی کارخانه‌ها را در اولویت کاری دولت دانسته و به این منظور خواهان منع ورود کالاهایی هستیم که تولید مشابه آن‌ها در داخل کشور امکان‌پذیر است.

سندیکاهای کارگری خواهان جلوگیری از تعطیل موسسات تولیدی تحت هر عنوان می باشند. تعطیلی هر کارخانه تولیدی، منافع ملی و امنیت ملی مان را هدف گرفته است.

## کوشندگان تا به آخر استوار

### «پیکرها بر خاک ، آرمان ها بر پاست!»



#### شوذب حاجی رئیس مقدم، مبارز سندیکایی ایران

شوذب حاجی رئیس مقدم از مبارزان فعال شورای متحده مرکزی و سندیکای کارگران سیلو و انبار نفت در دهه ۲۰ و ۳۰ خورشیدی است.

شوذب حاجی رئیس مقدم در سال ۱۲۹۶ خورشیدی در شهرستان چرگر یکی از توابع شهر زنجان به دنیا آمد. در زادگاه خود با اندیشه‌های انقلابی کم و بیش آشنایی یافت. او از جوانی به کار در مراکز صنعتی آن زمان مشغول شد، پس از مدتی برای کار به تهران کوچ کرد. ابتدا در انبار کالا و سپس در انبار نفت و سیلوی تهران به عنوان کارگر استخدام شد.

او به عنوان یکی از اولین کارگران کارخانجات تهران به یکی از کادرهای بسیار فعال در عرصه کارگری و سندیکایی بدل شد. شوذب حاجی رئیس مقدم در تشکیل و گسترش فعالیت سندیکاهای کارگری آن زمان و به ویژه تشکیل کارگران سیلو نقش درجه اول داشت.

اتحادیه کارگران سیلو در زمان خود از فعالترین سندیکاها به شمار می‌آمد. این سندیکا همراه با دیگر سندیکاهای کارگری نظیر دخانیات، سیمان، نفت خوزستان، کارخانجات نساجی اصفهان، چیت تهران، کارخانجات نساجی

شاهی و راه‌آهن نقش پررنگ در جنبش ملی‌شدن صنعت نفت ایران و به سود استقلال ملی و رهایی از تسلط امپریالیسم داشتند.

یکی از نخستین اقدامات شوذب حاجی رئیس مقدم عبارت بود از مشارکت و همیاری رساندن به کارگران گرمابه‌ها برای تشکیل سندیکای کارگران گرمابه‌ها بود. در اثر فعالیت او و هم‌زمانش، سندیکای کارگران گرمابه‌ها در ۲۵ آبان ماه ۱۳۲۳ تشکیل شد. فعالیت این سندیکا سبب گردید که آیین‌نامه پیرامون مقررات کار، ایمنی، بهداشت و امنیت شغلی کارگران گرمابه‌ها به تصویب برسد و این دسته از کارگران میهن ما از حقوق قانونی برخوردار شوند. همچنین در ۱۲ بهمن ماه ۱۳۲۵ و بدنبال فعالیت شورای متحده مرکزی، نامه کارگران سیلو در خصوص تغییر در مدیریت کارخانه و حقوق کارگران سیلو منتشر شد که شوذب از تهیه‌کنندگان اصلی آن بود. در اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ شوذب از سازمان‌دهندگان تحسن و امضای تومار توسط کارگران انارک بود. این کارگران خواستار تامین امنیت شغلی و جلوگیری از بیکاری خود بودند.

بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ او همانند گروه کثیری از هم‌زمانش مخفیانه به فعالیت خود ادامه داد و در سد کرج که در دست ساختمان بود مشغول به کار شد و در جهت آگاه کردن کارگران به فعالیت پرداخت. در آنجا به بیماری یرقان مبتلا و در بیمارستان شماره ۲ بیمه‌های اجتماعی جهت معالجه بستری شد. در همین موقع به دستور دادرسی ارتش او را در بیمارستان دستگیر و از آنجا به زندان قصر بردند. شوذب در بیدادگاه رژیم به علت نبودن مدارک کافی به یک سال زندان محکوم شد. یک ماه بعد از دستگیری، در حالی که بر اثر شکنجه‌های وحشتناک قدرت تکلم خود را از دست داده بود، دژخیمان او را در حال مرگ به بیمارستان شهربانی منتقل کردند. در بیمارستان به پزشکان اجازه ندادند این کارگر مبارز سندیکایی را معالجه کنند و سرانجام رفیق همیشگی کارگران، شوذب حاجی رئیس مقدم در تاریخ ۲۸ بهمن ماه ۱۳۳۸ در سن ۴۲ سالگی به شهادت رسید...





## نوروز علی غنچه، قهرمان جنبش کارگری

نوروز علی غنچه یکی از اولین کارگران صنایع نساجی مازندران است. طی سال‌های پس از ۱۲۹۹ و با رشد صنایع گوناگون ماشینی، ضمن رشد بی وقفه طبقه کارگر و حضور آن در حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی میهن ما، جنبش سندیکایی گسترش یافت. نوروز علی غنچه طی همین سال‌ها (۱۵-۱۳۱۴) به عنوان کارگر به کار مشغول شد.

تحت تاثیر فعالیت کارگران قدیمی‌تر با الفبای مبارزه آشنا شد. او از همان آغاز کار در کارخانه حریر بافی چالوس نسبت به ظلم و ستم و اکنش نشان می‌داد. چندین بار توسط کارفرما احضار و تهدید شد. در سال ۱۳۱۹، رئیس و مدیر کارخانه حریربافی که یکی از گماشتگان دربار رضا خان بود، صبح زود قبل از ورود کارگران به محوطه کارخانه، در مقابل درب اصلی کارگران را متوقف و به تهدید آنها پرداخت، سپس نوروز علی غنچه را از میان کارگران جدا کرده و برای ترساندن همه کارگران، او را به زیر ضربات شلاق برد، این شلاق زدن وحشیانه برای ایجاد جو ترس در کارخانه بود. نوروز علی غنچه در آن زمان برای آموزش فنی از میان کارگران انتخاب شده بود تا در هنرستان فنی این کارخانه مهارت‌های فنی را فرا گیرد. او با بالاترین امتیاز وارد این هنرستان فنی شده بود. در هنرستان مذکور او هنرجویان را که اغلب کارگران جوان کارخانه حریربافی بودند، به اعتصاب برای افزایش دستمزد، بهبود غذا و امکانات خوابگاه دعوت کرده بود.

با سقوط دیکتاتوری رضاخان، در تشکیل سندیکای کارگران کارخانه حریر بافی پیش‌قدم بود و همراه با علی لامعی و اکبر فابریکی فعالیت‌های سندیکایی کارخانجات نساجی شاهی، بهشهر و چالوس را هدایت، رهبری و هماهنگ می‌ساخت. او در بهمن ماه ۱۳۲۷ بازداشت و به زندان افکنده شد. دادگاه فرمایشی او را به دلیل فعالیت‌های کارگری - سندیکایی به ۱۰ سال زندان محکوم کرد. دادگاه نظامی او را "مخل امنیت و محرک شورش‌های کارگری" معرفی کرد. او در آخرین دفاعیات خود در بیدادگاه نظامی گفت: "دادگاه شما، من و رفقایم را با بی‌عدالتی محاکمه و محکوم می‌کند و به زندان می‌افکند، ولی روزی خواهد رسید که ما، شما را با عدالت، محاکمه و کیفر شایسته‌ای خواهیم داد."

این کارگر استوار و دلاور بر اثر فشارهای نا جوانمردانه و شرایط ناگوار زندان و سلول انفرادی به بیماری ریوی دچار شد. مسئولان زندان از معالجه او ممانعت می‌کردند. او در اثر همین بیماری مهلک که ناشی از فشارهای زندان بود، درگذشت.

## آودیس مسروپیان از فعالین سندیکاهای کارگری صنوف

آودیس مسروپیان از فعالین اولیه و اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران قناد در دهه ۲۰ و ۳۰ بود. او کارگر قناد و شیرینی‌پز بود. به عنوان یک کارگر آگاه، در تاسیس سندیکای کارگران قناد در دهه بیست نقش فعالی بر عهده داشت و یکی از فعالین اصلی این سندیکا که بلافاصله به شورای متحده مرکزی پیوست، محسوب می‌گردید.

سندیکای کارگران صنف قناد نیز مانند دیگر صنوف از جمله سندیکاهای کارگران خیاط، درودگران، کفاشان، اغذیه فروشان و سینماگران در چارچوب شورای متحده مرکزی نقش بسیار فعالی ایفا می‌کرد. از آنجا که در میان اصناف قناد، داروخانه‌داران و اغذیه فروشان تعداد کارگران بویژه کارگران ماهر ارمنی قابل توجه بود، فعالیت برای جلب و جذب آنها به سندیکاها توسط

کارگران آگاه و ثابت قدمی چون آودیس مسروپیان صورت می‌گرفت. آودیس مسروپیان بسیار فعال بود. او از جمله در سازماندهی گردهمایی کارگران کارخانه آجوسازی مجیدیه در ۱۲ دی ماه ۱۳۲۴ نقش اصلی را داشت.

با کودتای ننگین ۲۸ مرداد او نیز مانند بسیاری از کارگران تلاشگر سندیکایی مورد پیگرد قرار گرفت. با اراده و حفظ ارتباط با کارگران قناد به طور پنهانی به فعالیت خود ادامه می‌داد. در ۲۲ آبان سال ۱۳۳۲، یعنی چند ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد، در یکی از کوچه‌های فرعی خیابان شاهرضا (انقلاب) هدف گلوله سربازان فرمانداری نظامی قرار گرفت و به شهادت رسید.

### حسن حیدرپور از فعالین سندیکاهای کارگری اصفهان

حسن حیدرپور از فعالین سندیکای کارگران کارخانه نساجی رحیم زاده اصفهان بود. او در سال‌های دهه بیست به عنوان کارگر به استخدام کارخانه رحیم زاده اصفهان درآمد. کارگران مجبور بودند در تابستان‌ها روزانه ۱۲ ساعت و در زمستان‌ها روزانه ۱۰ ساعت کار کنند که فقط در این میان نیم ساعت حق استراحت داشتند. در کارخانه بیش از ۵۰۰ کارگر با سابقه ۶ تا ۸ سال مشغول به کار بودند. در شیفیت شب کارخانه حتی حق استراحت نیم ساعته نیز به کارگران داده نمی‌شد.

حسن حیدرپور فعالیت سندیکایی را به عنوان یک کارگر آگاه در سندیکای کارگران کارخانه رحیم زاده آغاز کرد. در جریان اعتصاب یکپارچه و متشکل سندیکاهای کارگری اصفهان در سال ۱۳۲۳، وی از فعالین این اعتصاب بود. حسن حیدرپور در این دوران از فعالین پُرشور و سازماندهندگان گردهمایی، نشست و راهپیمایی در حمایت از کارگران دیگر نقاط کشور بود. در سال ۱۳۳۰ با ابتکار سندیکاهای کارگری راه پیمایی پُرشکوهی توسط کارگران اصفهان در پشتیبانی از کارگران اعتصابی نفت آبادان برگزار گردید. حسن حیدرپور در صف نخست و از فعالین این راهپیمایی بود که توسط مزدوران به گلوله بسته شد و راه ارمان های کارگرایش به شهادت رسید.

## رمضان علی دهقان مبارز پُر شور جنبش سندیکایی کارگران

یکی دیگر از کارگران قهرمان سندیکاهای کارگری نساجی مازندران در سال‌های دهه بیست و سی خورشیدی سندیکالیست مجرب، رمضان علی دهقان، فعال سندیکای کارخانه حریر بافی چالوس، است.

رمضان علی دهقان در سال ۱۳۲۳ به استخدام کارخانه حریر بافی چالوس درآمد و پس از مدتی کار در کارخانه به عضویت سندیکا پذیرفته شد. نقش رمضان علی دهقان در اعتصاب سرنوشت ساز کارگران کارخانه شاهی (قائم شهر) در سال ۱۳۲۹ بسیار برجسته بود. او در کنار علی لامعی و یوسف علی از سازمان دهندگان اصلی این اعتصاب تاریخی و ماندگار به شمار می‌رود. رمضان علی دهقان در اعتصاب و مقاومت بی‌نظیر و درخشان کارگران کارخانه شاهی (قائم شهر) و جلب همبستگی کارگران بهشهر و چالوس با این اعتصاب، نقش مؤثر داشت و از زمره رهبران این رخداد تاریخی قلمداد می‌گردد. پس از این اعتصاب و مقاومت کارگران به فاصله چند ماه، رمضان علی دهقان توسط پلیس و فرمانداری نظامی شناسایی، دستگیر و همراه با سه کارگر دیگر به نقطه دیگری از کشور تبعید شد. در آستانه کودتای ۲۸ مرداد از تبعید به تهران آمد و این بار فعالیت خود را به صورت مخفی در تهران از سر گرفت.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و آغاز پیگرد و سرکوب خونین تلاشگران سندیکایی، توسط مأموران رکن دوم فرمانداری نظامی - مأمور رکن دوم پلیس غلامرضا زمانیان - در یکی از خیابان‌های تهران شناسایی و دستگیر شد. در زندان مورد شکنجه قرار گرفت و در بیداد گاه فرمانداری نظامی به ۱ سال حبس محکوم شد. در زندان با روحیه قوی به آرمان‌های خود وفادار ماند. در یکی از روزهای دوران زندان رفیق کارگر رمضان علی دهقان دچار سکنه ناقص شد. زندانیان بلافاصله او را به کنار بند مجاور رساندند، تلاش زندانیان و رفقای هم بند او برای نجات وی اثر نبخشید و دژخیمان از باز کردن درب بند خودداری کردند. به این ترتیب در اثر ممانعت حساب شده دژخیمان، دارو به رفیق رمضان علی دهقان نرسید و او با سربلندی و غرور بدون آنکه تسلیم ارتجاع شود، جان خود را در راه بهبودی زحمتکشان از دست داد.

## حسن جاماسب رزمنده بی‌باک جنبش کارگری



حسن جاماسب در سال ۱۳۰۸ در اصفهان متولد شد، تحصیلات خود را تا مقطع دیپلم در زادگاه خود گذراند. در سال ۱۳۲۵ به استخدام کارخانه وطن که از مهم‌ترین مراکز نساجی اصفهان و سراسر کشور محسوب می‌شد، درآمد. حسن جاماسب با تکیه بر اعتمادی که کارگران طی کار و زندگی روزانه در کارخانه به او پیدا کرده بودند، همراه با دیگر کارگران زمینه‌های احیای مجدد سندیکا را مهیا ساخت. سازماندهی اعتراض برای افزایش دستمزد و اعتراض به رفتار توهین آمیز کارفرما از نخستین اقدامات این جوان دلیر و آگاه بود که با حمایت قاطع کارگران بخش‌های مختلف کارخانه همراه شده بود. او تلاش داشت با برقراری رابطه میان تشکل‌ها و سندیکاهای کارگری کارخانجات مختلف نساجی در اصفهان، از تجربیات دیگر هم‌زمان خود به سود احیای سندیکای کارخانه وطن بهره برد. حمایت و پشتیبانی کارگران کارخانه نساجی زاینده رود و کارخانه رحیم زاده از اعتراض کارگران کارخانه وطن در سال‌های میانی دهه بیست از دیگر موفقیت‌های حسن جاماسب در جنبش سندیکایی و در سطح شهر اصفهان بود.

مبارزه متحد کارگران کارخانه‌های نساجی خشم و هراس کارفرمایان را به دنبال داشت. کارفرمای کارخانه وطن ابتدا حسن جاماسب و دو تن دیگر از فعالین سندیکایی را احضار و مورد تهدید قرار داد. به او اخطار شده بود در صورت ادامه فعالیت‌های سندیکایی که به آن “تحریک کارگران به اغتشاش”

نام داده بودند، از کار اخراج خواهد شد، همچنین چندین بار به تحریک کارفرما اوباش و رجاله‌ها او را تهدید به ضرب و شتم و آتش زدن خانه‌اش کرده بودند. علی‌رغم این توطئه‌ها، او آگاهانه و هوشیارانه به فعالیت خود ادامه می‌داد. سرانجام پس از تجمع اعتراضی تعدادی از کارگران بخش فنی در محوطه کارخانه، کارفرما حسن جاماسب را رسماً از کار اخراج کرد. پس از اخراج، او کوشید رابطه خود را با کارگران حفظ کرده و فعالیت‌های خود را به اشکال دیگر پیگیری نماید.

حسن جاماسب سرانجام روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ در خیابانی در تهران توسط کودتاچیان شناسایی و مورد ضرب و شتم قرار داده و سپس توسط اوباش و نظامیان کودتاچی بازداشت و به اسارت‌گاه فرستاده شد. رفیق حسن جاماسب هیچگاه از اسارت‌گاه بازنگشت و حتی جنازه او را تحویل خانواده اش ندادند. نام حسن جاماسب این قهرمان همراه و هم‌رزم مبارزان جنبش سندیکایی جاودانه است.

## خورن قاراخانیان مبارز خستگی ناپذیر سندیکاهای کارگری صنوف



حرفه او کفاشی بود و به عنوان یک کارگر کفاش در سال‌های دهه بیست خورشیدی یعنی هنگامیکه شورای متحده مرکزی صف‌های جنبش سندیکایی را متحد و سازماندهی کرده بود، در فعالیت سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه نقش داشت. در سال‌های پایانی دهه بیست، خورن قاراخانیان بنا به

مسئولیت‌های خود در سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه همراه با اسداله کاریجانی در تقویت رابطه میان کارگران و سندیکاهای صنوف بسیار فعال بود.

در سال ۱۳۳۱ نقش او در گسترش فعالیت سندیکای کارگران کفاش بسیار برجسته بود. تجهیز و تقویت صف‌های کارگران صنوف و سازماندهی و بازسازی سندیکاهای کارگری صنوف مانند سندیکاهای کارگران نانوا، خیاط، کفاش، اغذیه‌فروشی‌ها و نظایر آن از وظایف پُر اهمیتی بود که با فعالیت شبانه روزی خورن قاراخانیان و رفقای او میسر می‌شد. برقراری رابطه منظم و سازمان یافته میان سندیکاهای کارگران صنوف و ارتباط محکم با سندیکاهای کارگران واحدهای بزرگ تولیدی و کارخانه‌ها و تحکیم موقعیت جنبش سندیکایی کارگران در معادله‌های سیاسی و اجتماعی از مسئولیت‌های کارگر فداکار خورن قاراخانیان بود.

خورن قاراخانیان پس از کودتای ۲۸ مرداد با وجود آنکه مورد پیگرد قرار گرفت و مجبور شده بود از محل اصلی شغل خود در کفاشی‌های منطقه راه آهن و بازار کفاشان تهران دور باشد، در سازماندهی و تشکیل کمیته ۹ نفره فعالین سندیکایی صنوف کفاش نقش بارزی ایفا کرد. او در جریان اعتصاب کفاشان در سال ۱۳۳۳ یعنی پس از کودتای انگلیسی - آمریکایی ۲۸ مرداد، از هدف‌های اصلی فرمانداری نظامی محسوب می‌گردید و به این دلیل از سوی مأموران تحت تعقیب قرار داشت. طی مدت کوتاه پس از کودتا مجبور شده بود برای امرار معاش در یک دکه کفاشی مشغول به کار شود.

سرانجام در سال ۱۳۳۴ خورشیدی، این کارگر قهرمان که از قبل توسط محافل ارتجاعی و همدست و همکار فرمانداری نظامی شناسایی شده بود، توسط مأموران شهربانی مورد هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

نام خورن قاراخانیان با افتخار در صفحه‌های جنبش کارگری میهن ما ثبت و حک شده است.

## یوسف علی از رهبران سندیکاهای کارگری صنایع نساجی

یوسف علی در مقام یک کارگر آگاه در کارخانه حریر بافی چالوس فعالیت می‌کرد. او کارگر بخش فنی این کارخانه و از فعالین اولیه و پایه گذاران این سندیکا به همراه نوروز علی غنچه و دیگران بود. امضا تومار برای افزایش دستمزدها، تشکل و سازماندهی اعتراضات پراکنده کارگری و برنامه ریزی عملی و دقیق اعتصاب‌ها از جمله وظایفی بود که یوسف علی با هوشیاری و مهارت در انجام آنها کوشا بود.

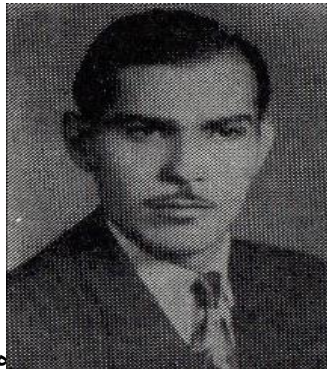
هنگامیکه در سال ۱۳۲۵ شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران مورد شناسایی فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری قرار گرفت و به مثابه یگانه مرکز سندیکایی اصیل در ایران به عضویت فدراسیون درآمد، گردهمایی بزرگی به مناسبت ارسال نامه پذیرش و حمایت فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در تهران برپا شد که کارگران در این گردهمایی نیروی متحد خود و توان جنبش سندیکایی زحمتکشان را به نمایش گذاشتند. کوشنده کارگری یوسف علی از جانب سندیکاهای کارگری نساجی‌های مازندران از سازمان دهندگان این گردهمایی رزمجویانه بود. پیش از این نیز یوسف علی در برپایی حرکت اعتراضی گسترده کارگران در سال ۱۳۲۳ نقش اصلی را داشت. به ابتکار او و یارانش کارگران کارخانه‌های چالوس با تجمع اعتراضی، درخواست رسیدگی به وضعیت بهداشتی و رفاهی خود را مطرح و به دولت اعلام کردند. این حرکت متشکل بسیار موفقیت آمیز بود و به همبستگی بیشتر کارگران و تقویت نقش سندیکا منجر شد. در ۱۸ اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۲، یوسف علی به همراه نوروز علی غنچه مبتکر تدوین و ارسال نامه سرگشاده اتحادیه کارگران چالوس به نخست وزیر وقت بودند که طی آن خواسته‌های کارگران بازگو شده بود. فعالیت شبانه روزی یوسف علی، این سندیکالیست مجرب سبب اعتبار و احترام شدید کارگران به وی بود. این مبارزات خستگی ناپذیر از چشم عوامل ارتجاع و امپریالیسم دور نبود. یوسف علی در آذرماه سال ۱۳۲۵ به “جرم” فعالیت‌های پیگیرانه سندیکایی بازداشت شد. پیش از دادگاه، به شدت شکنجه گردید اما سربلند و مغزور به آرمان‌های کارگریش وفادار ماند. در بیدادگاه نظامی به سه سال زندان محکوم شد. با آنکه خانواده‌اش نان آوری جز او نداشتند، در دوران زندان مقاوم و سرفراز باقی ماند و هرگز تسلیم شرایط



نشد. در مدت زندان او، همسرش مجبور به کار و تأمین درآمد خانواده شده بود. پس از رهایی از زندان بار دیگر فعالیت سندیکایی خود را از سر گرفت. رابطه با کارگران، تقویت نقش و موقعیت سندیکای کارگران کارخانه حریر باقی چالوس و افشاندن بذر آگاهی طبقاتی از اصلی‌ترین مسئولیت‌های این کوشنده دلیر بود. در جریان اعتصاب بزرگ و به یاد ماندنی سال ۱۳۲۹ کارگران کارخانه شاهی - قائم شهر کنونی - یوسف علی از سازمان دهندگان این رخداد عظیم و مؤثر تاریخی بود.

با کودتای ننگین ۲۸ مرداد او بار دیگر مورد پیگرد قرار گرفت. چماقداران وابسته به سرمایه‌داران و روحانیون شهر که در خدمت کودتاچیان عمل می‌کردند، او را دستگیر و پس از شکنجه‌های وحشیانه به فرمانداری نظامی و مقامات انتظامی تحویل دادند. مدتی را در زندان گذراند و مانند قبل با غرور بر سر پیمان خود باقی ماند. پس از آزادی از زندان به دلیل شکنجه‌های شدید چند روز بیشتر زنده نماند. با شهادت او صدها کارگر و خانواده‌هایشان در سوگ او در آن شرایط دشوار پس از کودتا به او ادای احترام نمودند.

## صالح خدای کوشنده سندیکای کارگران نانو



هنوز کودک بود که پدر، یعنی نان‌آور خانواده را از دست داد و مجبور شد از نو جوانی به کار در نانوایی‌ها بپردازد. کار شاق و طولانی در نانوایی برای معاش و کمک به زندگی خانواده، باعث شده بود که او از تحصیل باز بماند.

او در سندیکای کارگران خباز بابلسر و مدتی بابل در استان مازندران فعالیت می‌کرد. مبارزه برای افزایش حقوق کارگران نانوا و کاهش ساعت کار طولانی از عرصه‌های فعالیت این کارگر قهرمان بود. طبیعی است که در فعالیت سندیکاهای خباز استان مازندران، صالح خدای پیشقدم و پیشرو بود. یکی از اقدامات ماندگار صالح خدای فراهم ساختن امکان توزیع گسترده روزنامه ظفر ارگان شورای متحده مرکزی در مازندران پس از انتشار مجدد آن در ۱۲ فروردین سال ۱۳۲۹ بود. توزیع ظفر رابطه و هماهنگی میان سندیکاهای موجود را تقویت می‌کرد و موجب تحکیم موقعیت جنبش سندیکایی کارگران در آن دوران حساس بود.

صالح خدای این کارگر آگاه و پیشرو سرانجام در جریان یک گردهمایی در بابلسر در ۱۹ دی ماه ۱۳۳۱، در هجوم وحشیانه مأموران شهرستانی و ژاندارمری مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. او که در جریان این گردهمایی برای نجات جان رفیق و هم‌زمش که زیر ضربات باتون مأموران قرار داشت، اقدام کرده بود، با نهایت شهامت و شجاعت سینه جلو داد و فریاد زد، «بزن»

او استواری و پابندی ژرف به آرمان‌های طبقه کارگر را نشان داد و سینه خود را آماج گلوله‌های دشمن ساخت.

## میرحیدر عزیزی از انقلابیون نسل اول جنبش کارگری ایران

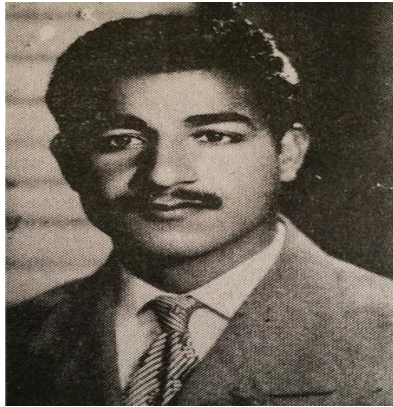
میرحیدر عزیزی در سال ۱۲۷۰ خورشیدی در شهر خلخال در خانواده‌ای فقیر و زحمتکش به دنیا آمد. در نوجوانی همراه گروهی از همشهری‌های خود رهسپار باکو - بادکوبه - شد و به کارگری پرداخت. پس از چندی به زادگاه خود بازگشت و سپس ساکن شهر تبریز شد. میرحیدر عزیزی که در معادن نفت باکو با گروه همت آشنایی یافته بود، در سال ۱۲۹۶ خورشیدی یعنی یک سال پس از تشکیل حزب عدالت به عضویت این حزب درآمد. میرحیدر عزیزی از فعالان و مسئولان بخش کارگری حزب عدالت در استانهای آذربایجان و گیلان

بود. فعالیت حزب عدالت در آذربایجان و گیلان از دامنه بسیار گسترده برخوردار بود. در سال ۱۲۹۹ خورشیدی با مساعی کمونیست‌های ایران که میرحیدر عزیزی در آن نقش داشت، اتحادیه‌های صنفی در میان کارگران و پیشه‌وران تاسیس گردید. به عنوان نمونه در اثر فعالیت اتحادیه کارگران در آذربایجان (که در آن زمان حزب کارگران خوانده می‌شد)، به خواست پیشه‌وران که در اتحادیه متشکل شده بودند، بر خلاف اراده مالکان، کرایه مغازه‌ها در تبریز ۲۰ درصد کاهش داده شد.

اتحادیه‌های کارگری و پیشه‌وری در تبریز و اطراف آن طی توانسته بودند تعداد قابل توجهی از کارگران، پیشه‌وران، مغازه داران کوچک و جز و شاگردان مغازه‌ها را در سازمان‌های صنفی متشکل و متحد کنند. میرحیدر عزیزی در این دوران از زمره رهبران این حرکات اعتصابی و سازمانگران اتحادیه‌های صنفی بود. وی یکی از مبارزان نامدار آن دوره در عرصه کارگری و سندیکایی به ویژه در استان‌های آذربایجان و گیلان است که کمتر شناخته شده است. وی با تجربیات پربار خود در اعتلای جنبش کارگری و سندیکایی ایران تاثیر ماندگار داشت. در تمام سال‌های فعالیت اتحادیه‌های کارگری در گیلان و آذربایجان، پیش از آغاز سرکوب و تثبیت دیکتاتوری رضاخان، رفیق شهید میرحیدر عزیزی از سازمان‌گران عمده جنبش کارگری به شمار می‌آید. نام او با فعالیت اتحادیه‌های صنفی و کارگری در دوران نخست حیات جنبش کارگری ایران پیوند ناگسستنی دارد.

پس از تحول‌های شهریور سال ۱۳۲۰ میرحیدر عزیزی مانند دیگر سندیکالیست‌های نسل اول با غرور و افتخار اتحادیه‌های کارگری را احیا کردند. در سال‌های ابتدای دهه ۲۰ خورشیدی میرحیدر عزیزی در تاسیس اتحادیه‌های کارگری در استان آذربایجان نقش فعالی داشت. در حکومت ملی و خودمختار آذربایجان و جنبش ۲۱ آذر نیز مسئولیت‌های متعدد و سنگینی از جمله سازماندهی جنبش کارگری را عهده‌دار بود. سرانجام پس از شکست جنبش ۲۱ آذر و حمله شاه با کمک آمریکا و انگلیس به حکومت ملی و خودمختار آذربایجان، کارگر فداکار میرحیدر عزیزی در سال ۱۳۲۵ در محال خلخال به دست اوباش و گزمگان رژیم سلطنتی به شهادت رسید.

## غلامرضا جنت‌دوست کارگر نقاش و مبارز شجاع جنبش کارگری



غلامرضا جنت‌دوست از نوجوانی به کار نقاشی مشغول شد و با این شغل و حرفه در میانه دهه بیست خورشیدی در کارگاه‌ها و مراکز تولیدی آن زمان کار می‌کرد و در سندیکاها به فعالیت می‌پرداخت. یکی از مراکز صنعتی که رفیق غلامرضا جنت‌دوست در دهه بیست خورشیدی به عنوان کارگر در آن مشغول به کار شد، کارخانه هواپیمایی شهباز بود. نخستین آشنایی با الفبای مبارزه را از فعالان سندیکایی این واحد صنعتی آموخت.

نخستین حضور او به عنوان یک جوان کارگر و فعال سندیکا، در باشگاه شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان در اواخر سال ۱۳۲۴ یا اوایل سال ۱۳۲۵ همراه با اعضای اتحادیه کارگران کارخانه هواپیمایی شهباز بود. در این تاریخ کارگران کارخانه هواپیمایی شهباز با تشکیل رسمی سندیکا و با حضور در باشگاه شورای متحده مرکزی رسماً به عضویت این مرکز معتبر سندیکایی کشور درآمدند. این آغازی بود بر فعالیت‌های این کارگر جوان نقاش که اکنون فعال سندیکا نیز محسوب می‌شد. پس از چندی در اثر فعالیت پیگیرانه و نیز تسلط به موازین کار سندیکایی با پیشنهاد کارگران باسابقه و پیشکسوت به عضویت هیات مدیره اتحادیه کارگری درآمد. در این سال‌ها غلامرضا جنت‌دوست از فعالان جوان شورای متحده مرکزی بود.

در اوایل سال ۱۳۳۰ با فعالیت گسترده سندیکاهای کارگری، مخالفت با یکی از مواد لایحه جدید انتخابات جنبه عمومی پیدا کرده بود. در ۳۱ اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰ گردهمایی عظیم و باشکوهی با رهنمود و مشارکت سندیکاهای کارگری برپا شد که طی آن کارگران ایران و جنبش سندیکایی مخالفت خود با موادی از لایحه جدید انتخابات که مطابق با آن بی‌سوادان از شرکت در انتخابات محروم می‌شدند را اعلام کردند. این لایحه سبب می‌شد بخش بزرگی از کارگران، دهقانان و توده‌های زحمتکش به دلیل نداشتن سواد خواندن و نوشتن از شرکت و حضور در انتخابات منع شوند. غلامرضا جنت‌دوست یکی از مسئولان و سازمان‌گران جوان این گردهمایی عظیم بود.

همچنین در این سال‌ها با رهنمود و مشارکت فعال سندیکاهای کارگران سراسر کشور از طرح خرید برگ قرضه ملی حمایت می‌کردند. غلامرضا جنت‌دوست به همراه دیگر فعالان سندیکایی در تشویق کارگران به خرید برگ قرضه ملی دولت دکتور مصدق بسیار فعال بود. از جمله در تابستان سال ۱۳۳۱ در اثر کوشش او و یارانش کارگران منطقه قم - بخش صنعت نفت بیش از ۲۰۰ برگ قرضه ملی را خریداری کردند که در آن زمان سر و صدای بسیاری به‌پا کرد و محافل ارتجاعی نظیر دربار، روحانیون و امپریالیسم انگلیس و آمریکا را به هراس انداخت.

یکی از دیگر مسئولیت‌های این کارگر قهرمان مشارکت در تشکیل و سپس عضویت در ترکیب کمیته کمک به کارگران اعتصابی سمنان در شهریور ماه ۱۳۳۱ بود. بنا به پیشنهاد کارگران کارخانه چیت ری، هیات نمایندگان ۴۳ سندیکای کارگری در شهریور ماه ۱۳۳۱ کمیته‌ای برای کمک به کارگران اعتصابی سمنان را تشکیل دادند. حمایت مادی، معنوی و همیاری به کارگران اعتصابی و خانواده آنها در سرلوحه وظایف این کمیته قرار داشت. غلامرضا جنت‌دوست از موسسان و اعضای فعال این کمیته بود.

در ۲۴ آبان ماه ۱۳۳۱ نمایندگان کنفدراسیون آزاد اتحادیه‌های کارگری با نقشه مهار مبارزات جنبش کارگری و سندیکایی به ایران سفر کردند. ریاست این هیات را دو تن به نام‌های هاسکین از آمریکا و برنس از لبنان برعهده داشتند. این دو تن با نقشه قبلی برای جلب موافقت محافل ارتجاعی به‌ویژه آیت‌اله

کاشانی به همکاری با اتحادیه زرد آن زمان به نام اسکی که تحت کنترل دربار و قوام‌السلطنه بود وارد تهران شده بودند. هدف آنان تقویت اتحادیه زرد اسکی و مبارزه با سندیکاهای واقعی به ویژه شورای متحده مرکزی بود. یکی از نخستین ملاقات‌های نمایندگان کنفدراسیون آزاد اتحادیه‌های کارگری با آیت‌اله کاشانی انجام گرفت. سندیکاهای کارگری در مقابل این توطئه دست به مقاومت زده و با برپایی اعتراضات مختلف، اقدام و حرکت کنفدراسیون آزاد را افشا و محکوم کردند. غلامرضا جنت‌دوست در این زمینه فعالیت گسترده‌ای را همراه با فعالان کارگری کارخانه‌های سیلو، چیت ری، سیمان تهران، دخانیات و راه‌آهن برعهده داشت. به موازات حضور هیات نمایندگی کنفدراسیون آزاد اتحادیه‌های کارگری برای حمایت از سندیکاهای وابسته به قوام و دربار، یک هیات از آمریکا و انگلیس نیز به تهران سفر کرده بود تا به اصطلاح شرایط کارخانه دخانیات تهران را بررسی نماید. در آذرماه ۱۳۳۱ کارگران دخانیات تهران در مقابله با حضور دو هیات یعنی هیات کنفدراسیون آزاد و هیات بازرسان آمریکا و انگلیس تظاهرات باشکوهی برپا کردند. کمیته‌ای متشکل از سندیکاهای کارگران صنوف و کارخانه‌ها از این تظاهرات حمایت می‌کردند. رفیق غلامرضا جنت‌دوست نیز از اعضای فعال این کمیته بود.

با کودتای انگلیسی - آمریکایی ۲۸ مرداد فصل جدیدی از زندگی این کارگر مبارز آغاز شد. او در سال ۱۳۳۳ دستگیر شد و در زندان مورد شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفت. در سال ۱۳۳۴ یا ۳۵ «هنگامی که شاه برای بستن پیمان بغداد به خارج کشور می‌رفت به جوخه اعدام سپرده شد.»

رفیق کارگر غلامرضا جنت‌دوست به دلیل مبارزه مستمر و پرشور به سود سعادت کارگران و زحمتکشان مورد کینه ارتجاع قرار داشت و به همین دلیل نیز اعدام شد.

**نام ارجمند این رزمنده جنبش کارگری جاودانه است.**

## اوهان یاریجانیان مبارزه خستگی‌ناپذیر جنبش سندیکایی و کارگری

اوهان یاریجانیان در خانواده‌ای زحمتکش دنیا آمد و از همان دوران نوجوانی در تلاش برای معاش به‌کار در کارگاه‌های مختلف برق و مکانیک پرداخت. در سنین نوجوانی خیلی زود او را با واقعیت جامعه طبقاتی آشنا ساخت. طعم فقر و استنثار را با پوست و گوشت خود چشید. او که استعداد درخشانی از خود در فراگیری حرفه‌اش (برق، سیم‌کشی و مکانیک) نشان می‌داد، خیلی زود به‌یک استادکار تمام عیار در حرفه برق بدل شد. او همچنین از نخستین فعالان اتحادیه کارگران ماهر که شامل کارگران مکانیک، سیم‌کش و برق‌کار، در سال‌های ابتدای دهه ۲۰ خورشیدی بود. وی در سال ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ به عضویت هیات مدیره و کمیته اجرایی اتحادیه کارگران ماهر درآمد. این سندیکا یکی از فعال‌ترین تشکل‌های سندیکایی در چارچوب شورای متحد مرکزی بود. اتحادیه‌های کارگران ماهر در سازمان‌دهی تجمع‌ها و اعتراضات و به‌طور کلی مبارزات سندیکایی طبقه کارگر ایران به رهبری شورای متحده مرکزی نقش بسیار جدی و پُررنگ داشته‌اند.

یکی از مبارزات به‌یاد ماندنی این کارگر قهرمان مربوط به اعتصاب کارگران برق شهر رشت است. کارگران کارخانه برق رشت در شرایط دشوار زندگی می‌کردند، این وضعیت سبب گسترش نارضایتی این کارگران بود. اتحادیه‌های کارگران ماهر که اعضای شورای متحده مرکزی بودند، دست به‌کار شدند تا به‌عنوان تشکل سندیکایی به یاری کارگران برق شهر رشت بشتابند. در ۹ مهرماه سال ۱۳۲۵ یک اعتصاب متشکل دو روزه توسط کارگران کارخانه برق شهر رشت برپا شد. یکی از سازمان‌گران اصلی اعتصاب که از سوی شورای متحده مرکزی مسئولیت هماهنگی اعتصاب را برعهده داشت، کارگر زحمتکش اوهان یاریجانیان بود. این اعتصاب که با همبستگی کارگران دیگر شهرها همراه شد، منجر به تامین و تضمین برخی خواست‌های کارگران و افزایش مزایای شغلی آنان گردید.

در سال‌های پایانی دهه ۲۰ پس از مدتی و بار دیگر در تهران و شهرهای دیگر یاریجانیان به ایفای وظایف و مسئولیت‌های خود با اراده‌ای آهنین مشغول

شد. به‌عنوان نمونه او از سازمان‌گران اعتصاب کارگران کارخانه برق همدان در سال ۱۳۲۸ بود.

در روزهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ شهریور ماه سال ۱۳۲۸ تمام کارگران کارخانه برق همدان به علت رفتار توهین‌آمیز و شکایت کارفرما دست به اعتصاب یکپارچه زدند. این اعتصاب توسط سندیکاهای وابسته به شورای متحده مرکزی رهبری می‌شد که یاریجانیان یکی از اعضای اصلی و فعال آن به‌شمار می‌آمد. به‌علاوه او از سوی کارگران و اتحادیه‌های کارگران ماهر عضو کمیسیون حل اختلاف میان کارفرما و کارگران کارخانه برق همدان بود و در جلسات این کمیسیون به عنوان نماینده کارگران شرکت می‌کرد.

همچنین در سال ۱۳۲۹ با تشدید فعالیت جنبش کارگری، سندیکاهای کارگری خواستار تشکیل هیاتی برای نظارت بر صندوق تعاون کارگران شدند. کمیسیونی در این رابطه، در اثر مبارزه جانانه زحمتکشان به تاریخ دوم مهرماه ۱۳۲۹ در جلسه شورای عالی کار تشکیل شد. نقش کارگر سندیکایی یاریجانیان همراه با رفقا ولی‌اله مظاهری و تقی باقری در تشکیل هیات نظارت بر صندوق تعاون کارگران در آن مقطع زمانی فراموش نشدنی است.

فعالیت خستگی‌ناپذیر این کوشنده کارگری چهره‌ای قابل اعتماد برای کارگران ساخته بود. او در تجدید انتشار و بازانتشار روزنامه ظفر ارگان شورای متحده مرکزی در سال ۱۳۲۹ نقش بسیار فعالی داشت.

با کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد، او همان یاریجانیان که از مبارزان شناخته‌شده و کادرهای بسیار فعال سندیکایی بود، توسط رکن دوم شهربانی دستگیر شد. «مامورین پلیس مخفی شهربانی و رکن دو او را پس از دستگیری، در شهربانی زیر شکنجه وحشیانه به شهادت رساندند.

رژیم کارگر کُش پهلوی حتا جنازه‌اش را هم به خانواده‌اش تحویل ندادند.” با شهادت رفیق او همان یاریجانیان جنبش کارگری یکی از کادرهای توانا و یکی از مبارزان باتجربه خود را از دست داد. نام و راه این کارگر قهرمان با افتخار در صفحات تاریخ پرغرور توده‌های کار و زحمت ثبت و حک شده‌است.



## علی عظیمزاده جوادی، رزمنده دلیر جنبش کارگری میهن ما



علی عظیمزاده جوادی در یک خانواده محروم و زحمتکش تولد و پرورش یافت. او زاده سرزمین بابک خرمین‌ها، حیدر عمو اغلی‌ها، ستارخان‌ها، باقرخان‌ها، علی مسیوها، ارانی‌ها و . . . است. از کودکی با طعم فقر و رنج آشنا شد. از نوجوانی به کار در کارگاه‌های گوناگون از خیاطی، کفاشی تا نجاری پرداخت. جوان بود که به استخدام کارخانه پشمینه تبریز درآمد. این کارخانه در زمان خود از بزرگترین واحدهای تولیدی محسوب می‌شد و کارگران بسیاری در شیفت‌های مختلف آن به‌کار اشتغال داشتند.

در سال ۱۳۲۱ علی عظیمزاده جوادی، نخستین آشنایی با اصول مبارزه را در همراهی با کارگران سندیکایی آموخت. در مهرماه سال ۱۳۲۱ هنگامی که او هنوز جوان کم‌تجربه‌ایی بود، در کنفرانس پیشکسوتان جنبش کارگری که در تبریز تحت عنوان اهمیت تشکل سندیکایی کارگران کارخانه‌ها و کارگاه‌ها برپا شده بود، حضور یافت.

در مهرماه سال ۱۳۲۲ اعتصاب متحدی در کارخانه‌های پشمینه و کبریت سازی تبریز سازماندهی شد. در ۲۱ اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۳ به رهنمود سندیکاهای و با هدایت دیگر کارگران مجرب، وظیفه کمک به تاسیس اتحادیه کارگران شهر میانه را برعهده داشت. این مسئولیت را با سربلندی و موفقیت به انجام رساند. با تاسیس حکومت ملی و خودمختار آذربایجان به عنوان سنگر

آزادی و دمکراسی سراسر ایران، او نیز با تمام نیرو در خدمت آرمان‌های خلق به فعالیت مشغول شد. در ۱۶ خرداد ماه ۱۳۲۴ از سازمانگران تظاهرات کارگران بیکار تحت رهبری شورای متحد مرکزی بود.

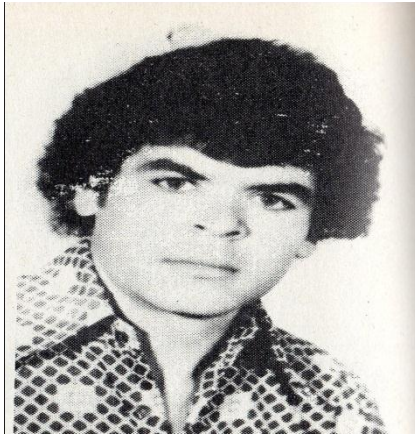
در بهمن ماه سال ۱۳۳۱ و با اعتصاب کارگران کارخانه کبریت‌سازی ممتاز تبریز در اعتراض به اخراج سه کارگر فعال برپا شد که نقش رفیق علی عظیمزاده جوادی در سازماندهی آن برجسته بود. در اثر فعالیت شبانه‌روزی او و یارانش، این اعتصاب علی‌رغم فشار دولت وقت و کارفرما ادامه یافت و همبستگی کارگران دیگر کارخانه‌ها در شهر تبریز و دیگر شهرهای کشور نظیر اصفهان، شاهی، سمنان، تهران و آبادان را به همراه آورد. با کوشش او بود که در دوازدهم بهمن ماه ۱۳۳۱ کارگران کارخانه‌های نساجی ظفر و کلکته‌چی تبریز در همبستگی و برای حمایت از کارگران کارخانه کبریت‌سازی ممتاز، اعلام اعتصاب کردند.

پس از کودتای ۲۸ مرداد همراه جمعی از رفقای خود بازداشت شد، زیر شکنجه قرار گرفت، اما چون صخره‌ایی استوار شکست ناپذیر در برابر دژخیم ایستاد. علی عظیمزاده در دادگاه بدوی به دوازده ماه زندان محکوم شد، ولی پس از مدتی دادگاه تجدیدنظر محکومیت او و هم‌پرونده‌هایش را به ۱۵ ماه افزایش داد. تنها به این دلیل که از آرمان‌های کارگری خود دفاع کرده بود. علی عظیمزاده بعد از آزاد شدن از زندان مجدداً شروع به فعالیت کرد. این فعالیت تا سال ۱۳۳۸ ادامه یافت. او در تمام این مدت در میان طبقه کارگر با ایمانی استوار فعالیت کرده و بذر آگاهی طبقاتی را علیرغم سکوت گورستانی پس از کودتای می‌افشاند.

بار دیگر او و یارانش را در سال ۱۳۳۸ شناسایی و بازداشت شدند. این بار پس از دستگیری به تهران اعزام و محکوم به اعدام شد.

راه، نام و مبارزه این کارگر قهرمان در تاریخ جنبش کارگری و سندیکایی با افتخار ثبت و ضبط شده است.

## ابراهیم فدایی مبارز جوان و فداکار جنبش کارگری میهن ما



او در سال ۱۳۳۷ در نجف آباد متولد شد و هنوز نوجوان بود که برای کمک به معاش خانواده به کار در کارگاه‌های مختلف در شهر زادگاه خود مشغول شد و سپس “در جستجوی نان از این شهر به آن شهر رفت”. در کارگاه‌های خیاطی، بافندگی، تاسیسات، آهنگری در شهرهای نجف‌آباد، اصفهان، همایون‌شهر، کرج و تهران به کار پرداخت. او ضمن کار در کارگاه‌های مختلف از جمله تاسیسات همراه با دیگر زحمتکشان به صورت فعال در انقلاب بهمن شرکت جست.

طرح ۱۰ ماده‌ای کارگران راه و ساختمان و تاسیسات در خصوص میزان وام، حق بیمه بیکاری، حق تشکلیابی، میزان دستمزد و سایر موضوعات کارگری که انتشار یافت، رفیق ابراهیم فدایی از پیگیرترین کارگران جوان در تبلیغ، ترویج و توزیع این طرح در سال ۱۳۵۹ بود.

در اثر مبارزه فعالین سندیکایی و فعالیت خستگی ناپذیر انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری، اکثریت غریب به اتفاق تشکل‌های کارگری موجود آن زمان در تاریخ ۹ مردادماه سال ۱۳۵۹ اعلام داشتند، قانون کار باید با نظر کارگران تصویب شود.

رفیق ابراهیم فدایی در این دوران از فعال‌ترین کارگران جوان بود. انجمن همبستگی و دیگر تشکل‌های کارگری اعلام می‌داشتند که هیچ تشکل دیگری نمی‌تواند جانشین تشکل صنفی - سندیکایی شود.

نیروهای عقب مانده ذهنی با توسل به سرکوب و فریب و تدوین برنامه‌های ضدکارگری مانع از تشکل‌یابی و دسترسی زحمتکشان به حقوق سندیکایی خود بودند. در همین دوران باندهایی به سرکردگی علی ربیعی، علیرضا محجوب، دانشمند، حسین کمالی، صادقی و غیره نقش مخرب علیه تشکل‌های سندیکایی و انجمن همبستگی سندیکاهای و شوراهای کارگری ایفا می‌کردند. چماق‌داری، یورش به مراکز سندیکایی و تعقیب و بازداشت کارگران و سندیکالیست‌ها از زمره اقدام‌های این واپس‌گرایان بود.

رفیق شهید ابراهیم فدایی طی این دوران از کارگران جوان فعال در تشکل‌های سندیکایی بود که آموزش‌های سندیکایی را به میان زحمتکشان می‌برد و وظایف محوله را با احساس مسئولیت عمیق به انجام می‌رساند.

حضور در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها به ویژه در میان سندیکاهای کارگری تاسیسات و دباغی‌ها، از او چهره‌ایی مورد اعتماد کارگران پدید آورده‌بود

با آغاز جنگ مطابق نقشه امپریالیسم آمریکا و تجاوز صدام به خاک میهن ما، ابراهیم فدایی راهی جبهه‌ها شد. رفیق کارگر ابراهیم فدایی روز اول آذرماه ۱۳۶۰ در عملیات بستان به شهادت رسید.

نام رفیق کارگر ابراهیم فدایی با غرور و افتخار در سینه تاریخ ثبت شده‌است.

« طبقه کارگر با آموزش و سازماندهی در سندیکاهای خود پیروزمند و سربلند است، »

## علی نادری از فعالان سندیکاهای کارگران نساجی مازندران

علی نادری در سال‌های نخستین دهه بیست خورشیدی به عنوان یک کارگر فنی به عضویت سندیکای کارگران حریر بافی چالوس درآمد. الفبای مبارزه را در صف‌های سندیکا آموخت. مشوق او در عضویت سندیکا علی لامعی و نوروز علی غنچه بودند. خیلی زود استعداد این کارگر فنی کارخانه حریر بافی در مبارزه صنفی و سیاسی خود را نشان داد و به چهره‌ای شناخته شده در میان کارگران نساجی‌های متعدد مازندران بدل شد. او در کلیه حرکات اعتراضی سال‌های ابتدایی دهه بیست حضوری مؤثر داشت. علی نادری در این دوره زمانی فعالیت شبانه روزی داشت و در تمامی اقدام‌های صنفی در سطح استان مازندران همچون کادری مؤثر ایفای وظیفه می‌نمود.

در سال ۱۳۲۵ پس از یورش ارتجاع مانند بسیاری از هم‌زمانش بازداشت و روانه زندان شد. در بیدادگاه نظامی به ۲ سال حبس محکوم شد و این دو سال را دور از شهر خود در زندان قصر تهران سپری کرد. مقاوم‌تر از پیش از زندان آزاد و دوباره رهسپار شهر خود چالوس گردید. در بدو ورود به شهر اجازه تماس با کارخانه و کارگران را به او ندادند و توسط سرگرد اردلان رئیس نظامی و امنیتی منطقه به جرم اینکه حضور او در منطقه مضر است، دوباره دستگیر و این بار بدون حکم دادگاه در ساختمانی نیمه کاره زندانی شد. این ساختمان نیمه تمام از امکانات کمی برخوردار بود و این مسأله، فشار روحی و فیزیکی مضاعفی به این کارگر قهرمان وارد می‌ساخت. چندین ماه در این شرایط غیر انسانی به تنهایی بسر برد. بارها توسط اوباش و نظامیان مورد شکنجه جسمی شدید قرار گرفت.

در بهمن ماه سال ۱۳۲۷ هنگامیکه گروهی از کارگران فعال کارخانه حریر بافی چالوس از جمله رمضان علی دهقان و یوسف علی توسط نیروهای نظامی و به دستور سرگرد جنایتکار اردلان بازداشت و به این ساختمان نیمه تمام منتقل شدند، با جسم بی رمق و به شدت شکنجه شده رفیق علی نادری روبرو گردیدند. فرمانده نظامیان (سرگرد اردلان) با توجه به وضعیت وخیم علی نادری و برای آنکه مرگ او در بازداشت بازتاب گسترده‌ای در میان کارگران کارخانه حریر بافی و سطح شهر خواهد داشت، او را که بی هیچ حکمی ماه‌ها

در بازداشت بسر می‌برد به بهانه کمیود جا، “آزاد” کرد. کارگر قهرمان، علی نادری به فاصله چند روز پس از این “آزادی” بر اثر شکنجه‌های وارده به شهادت رسید.

رفیق شهید علی نادری نمونه دیگری از کارگران آگاه و سر بلند میهن ماست که با تمام وجود و با فداکاری راه مبارزه را برگزید و تا به آخر به آرمان‌های والای انسانی و انقلابی وفادار ماند. نام عزیز او جاودانه و راه او ادامه دارد!

« البته امروز هم وضع طبقه کارگر ایران درخشان نیست. امروز سطح زندگی کارگران به مراتب پایین تر از آن است که باید باشد. زمانی که در اوایل سال های ۱۳۲۰ برای نخستین بار شعار « نان برای همه، فرهنگ برای همه، بهداشت برای همه » مطرح شد، اوضاع صد بار بدتر از امروز بود. بسیاری از نمایندگان طبقات حاکم درقبال این شعار با تعجب و وحشت می گفتند: مگر ممکن است؟ مگر خدا پنج انگشت را به یک اندازه آفریده؟ چگونه ممکن است نان، فرهنگ، بهداشت برای همه باشد؟

تا سال ۱۳۲۵ هیچ قانونی برمناسبات کارگر و کارفرما حکومت نمی‌کرد. نظمی در دستمزدها، ساعات کار، مرخصی، بیمه و بازنشستگی وجود نداشت. چنان که گفتیم امروز، زندگی کارگران ایرانی هنوز از، سطح مطلوب، بسیار فاصله دارد. اما اشتباه است اگر یک لحظه فراموش کنیم که همین یک لقمه نانی هم که ازگلولی فرزندان کارگران پانین می رود، همین یک روز تعطیلی هفتگی که کارگر می تواند در کنار زن و فرزند خود باشد، همین به مدرسه رفتن کودکان کارگران و ..... همه و همه ی اینها به بهای نبرد طولانی طبقه کارگر بدست آمده است. سندیکاهای کارگری رابه دلیل اینکه در مبارزات کارگری و دفاع از حقوق زحمتکشان و نبرد علیه استعمار در صف نخست بوده بارها به محاکمه کشیده اند. مبارزان سندیکایی سالها در زندان و تبعیدگاهها بسر برده اند. علی امیدها امروز در میان ما نیستند، اما پرچم پُر افتخار نهضت کارگری ایران هم چنان در اهتزاز است و در اهتزاز خواهد بود «اتهام ما این است که مدافع منافع کارگرانیم. ما به این اتهام افتخار می کنیم»

## جواد اخوان از کوشندگان اتحادیه های دهقانی



مهربان ما

در زمین شیار خورده رویدی

در باغ شکوفه های بهار نارنج شگفتی

در ترنم باران های سپیده دمان بالیدی

با آزاد سروان شهر و روستا بلندا گرفتی

و به یک باره با نخستین خنده های بهار رفتی

جواد اخوان رفیق کارگران و دهقانی زحمتکش تا آخرین لحظه حیات از آرمان های کارگری و دهقانی خود دست برنداشت. او مبارزات دهقانی را از جوانی و قبل از کودتای ۲۸ مرداد بر علیه ارباب ها آغاز کرد و در اتحادیه دهقانی لشت نشا عضو و بعدها از کوشندگان ثابت قدم آن شد. او بارها به دلیل مبارزات بر علیه ستم اربابان و تلاش برای بهبودی وضعیت دهقانان زندانی گردید. علی امینی، سیاسی کار سیاه کار و خاندانش هیچگاه دهقانان را جزو انسان نمی دانستند و به همین خاطر جواد اخوان ها را بر نمی تابیدند. عمو جواد در هیچ برهه ای از مبارزه دست نکشید و از محبوب ترین کوشندگان دهقانی منطقه بود. با تولد و انتشار نشریه پیام سندیکا او یکی از همراهان پیام سندیکا تا آخرین دقیق عمر شد. او بخشی از آرمان های خود را در این نشریه دید.

نام و خاطره عمو جواد اخوان در ذهن و قلب کارگران و دهقانان همیشه زنده است.

## روز جهانی کارگر و زنان

روزی که کارگران خواسته های خود را اعلام و با زحمتکشان جهان اعلام همبستگی می کند.

در این میان زنان کارگرنقش بزرگی درمبرزه برای احقاق حق در کنار سایر زحمتکشان ایفا می کنند. با رشد تکنولوژی، زنان درعرصه تولید ثروت جامعه راه را برای ورود به کار و تلاش باز کردند، سرمایه داری که نمی خواهد زنان مبارز را در کنار زحمتکشان مرد ببینند با تبعیض جنسیتی و ظلم در دنیای کار، راه ورود را بر آنها بسته و با تبعیض های فراوان موجب رنج زنان زحمتکش شده اند. زنان ، به خوبی می دانند که تنها دریک اتحاد فراگیر با مردان است که نابرابریها از بین خواهد رفت. البته رهایی زنان ومشکلات عدیده آنها تنها باآگاهی از حقوق خود است ،چراکه زنان درطول تاریخ به عنوان یک کالای جنسی، برای معامله های سودآفرین و لذت آفرین دیده شده اند و سرمایه داران و صاحبان کالا همیشه تلاش کرده اند که زنان کارگر را با محروم کردن از آگاهی به وضعیت خود و ستمهای مضاعف تحقیر منزوی کنند. تحقیرها و توهین هایی که به زنان کارگر می شود بدین منظور است که زنان را به خانه نشینی و فاقد توانایی کار درعرصه های اجتماعی و اقتصادی وادارکرده و از آنها انسانهایی بیکاره که فقط به درد تولید مثل و کامجویی می خورند، بسازند.

شوربختانه دستمزدهایی که به زنان کارگر داده میشود نسبت به مردان بسیار پایین است و درکارخانه هایی که این زنان مشغول به کار هستند از اضافه کاری بازهم مردان ارجحیت بیشتری را برآنها دارند، ودرهنگام تعدیل نیرو ، اولین قربانیان را این زنان تشکیل میدهند. درحالیکه اکثرن سرپرست خانوار محسوب میشوند. زنان کارگر حداقل حقوق کار را دریافت میکنند و ۵۰ درصد حقوق آنها راصاحبان کار و صاحبان ابزار می برند، مانند زنان قالیباف ،



زنان نظافت چی، زنان کارگر در رستورانها و بیمارستانها و خانه های ثروتمندان و یا اشراف و غیره.... از دیگر مشکلات این زنان کارگر میتوان تهدیدهای اقتصادی را گفت ، مثلاً بی ثباتی اقتصادی، تورم، بیکاری، کمبود درآمد، از کارافتادن کارخانه ها و بلامتکلیفی آنها و غیره ... گذشته از تمام این مشکلات تخریب شخصیتی است که با ترساندن و تهدید صاحبان کار آنها را تا حد تعرض هم قرار میدهند، و آنها بخاطر شرایط بد اقتصادی مجبورند تن به ذلت و خواری دهند زیرا نه از حمایت قانونی برخوردارند و نه از حمایت شوراهای کارگری و سندیکاهای برخوردار و گاه مجبورند که از کار خود استعفا داده و در نهایت به کارگاههای کوچک پناه ببرند که در این کارگاهها هم از بیمه و از امنیت شغلی برخوردار نبوده و گاه صاحب کاران ابزار کار را به خانه آنها منتقل میکند که مشمول مالیات و اجاره مکان نشوند مثل مونتاز کردن برخی از لوازم خانگی ، یابسته بندی حیوانات، خشکیار، سبزیجات ووو که نمیتواند مشکلات و گرفتاریهای آنها را از قبیل مسکن، تغذیه ، بهداشت و درمان را حل کند .

شکاف جنسیتی در درون طبقه کارگر یکی از آن ضایعاتی است که به این طبقه از درون ضربه میزند و از صلابت بدنه آن می کاهد، نیروی جنبشی آنرا کاهش می دهد و یک پارچگی آنرا از بین می برد.

جنبش کارگری باید از درون خانواده و محیط های کارگری و در سطوح مختلف اجتماعی یک تغییر بنیادین انجام دهد ، زنان کارگر باید آگاهی از کار و مشکلات کاری را با اتحاد درکنار دیگر کارگران و تشکیل سندیکاهای کارگری را شروع کنند. در سندیکاهای کارگری است که زنان بر رنج خود آگاهتر می شوند و با این نابرابری درکنار دیگر کارگران مبارزه کرده تا به یک جامعه بدون تبعیض طبقاتی برسند.

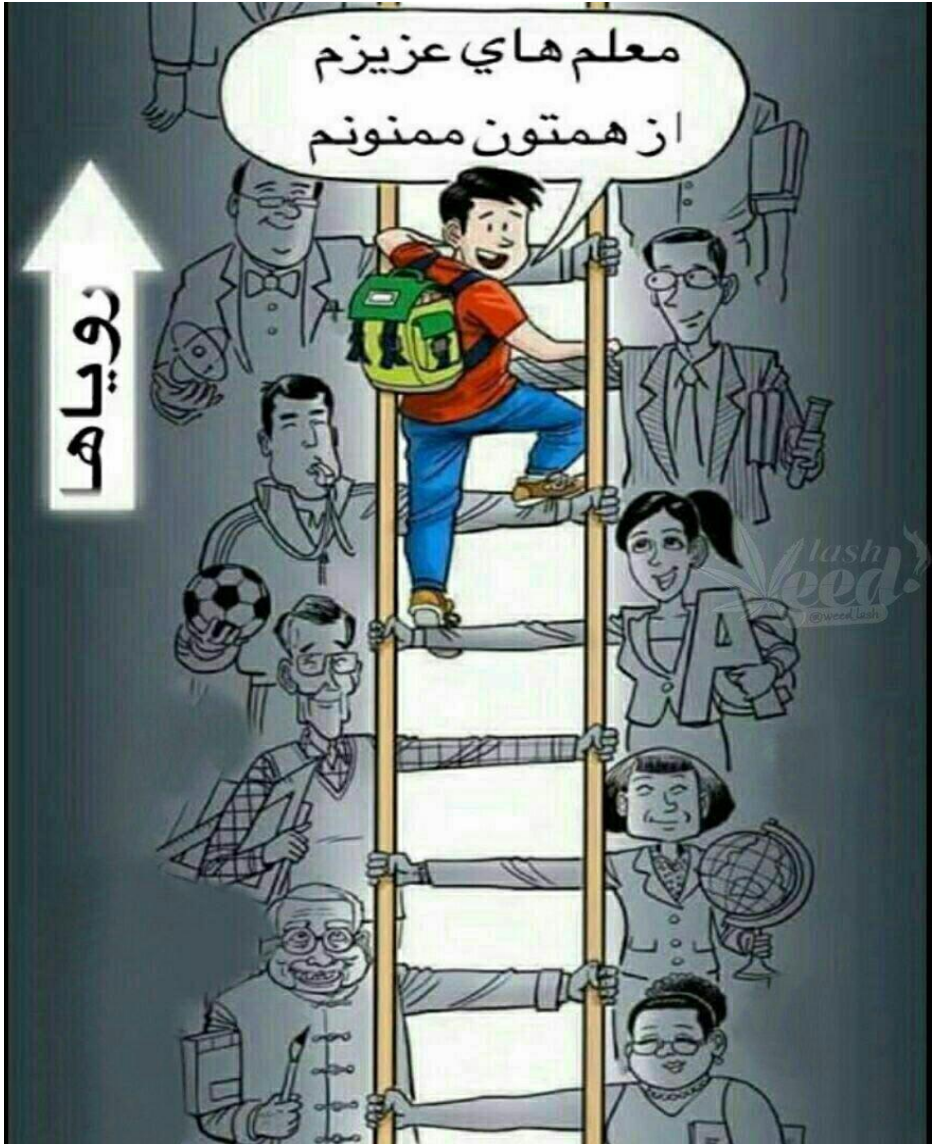
## فاطمه خلیج کارگر کارخانه



دختری که در ایام تعطیلات نوروزی برای امرار معاش قایق سواری می‌کند. فاطمه اهل روستای صراخیه شادگان، روزهای تعطیل که درس و مدرسه ندارد، از راه قایق‌سواری در تالاب شادگان کسب درآمد می‌کند.



من کتابم را با کوله‌ی  
پشتم عوض کردم. من  
کودک کارم



سپاسگزار معلمی هستم که اندیشیدن را به من آموخت، نه اندیشه‌ها را  
**روز معلم بر آموزگاران این مرز و بوم گرامی باد!**